



تفسیر سورہ

احزاب

محسن قرائتی

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه‌ی ملی ایران:

قراآتی، محسن / ۱۳۲۴

تفسیر سوره احزاب مؤلف: محسن قراآتی

ناشر: تهران / «مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن» / ۱۳۷۵.

۱۰۸ ص. ۷۵۰۰ ریال ISBN: 978-600-5421-18-7

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. تفاسیر -- قرن ۱۴ الف. عنوان.

۲۰۳۴۲۸۵ ۲۹۷/۱۸ BP ۱۰۲/۶۵۴/ق/۴۴۴ ت ۷۱۳۸۹



تفسیر سوره احزاب

ناشر:	مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن
چاپ:	سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
نوبت چاپ:	اول - بهار ۱۳۸۹
شمارگان:	۵/۰۰۰ نسخه
قیمت:	۷۵۰۰ ریال
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۱۸-۷

مرکز پخش ۱: تهران - تلفن و نمابر ۴-۶۳۶۳-۶۶۹۴

مرکز پخش ۲: اصفهان - ۱-۸۸۹۲۶۲۷۰

مرکز پخش ۳: مشهد - ۱-۸۸۹۲۶۲۷۰

www.Qaraati.ir

سخن ناشر

«مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن» در سال ۱۳۷۵ با هدف نشر آثار قلمی، صوتی و تصویری حجت الاسلام والمسلمین محسن قراآتی تأسیس گردید و در این راستا فعالیت‌های گوناگونی را به انجام رسانیده است. از جمله:

۱- نشر و تجدید چاپ کتب قبلی ایشان با ویراستاری جدید.

۲- نشر مجموعه دوره ده جلدی تفسیر نور (تفسیر کامل قرآن).

۳- عرضه نرم‌افزارهای مختلف رایانه‌ای مانند توشه تبلیغ برای استفاده طلاب و فرهنگیان.

۴- عرضه نرم‌افزار بلاغ (متن و صوت برنامه تلویزیونی درسهایی از قرآن از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۶).

۵- راه اندازی پایگاه اینترنتی به نشانی: www.Qaraati.ir با امکان دسترسی به کلیه متون تفسیری و کتب حجت الاسلام قراآتی و شرکت در مسابقه تلویزیونی درسهایی از قرآن.

۶- نشر تفسیر سوره‌های مختلف به صورت مجزاً و در قطع پالتویی.

کتاب حاضر یکی از این مجموعه‌هاست که بحمدالله استقبال بسیار گرم قرآن دوستان عزیز در اقشار مختلف را به همراه داشته است.

از همه جوانان و علاقمندان به قرآن کریم انتظار داریم که نظرات و پیشنهادات خود را جهت رشد حرکت‌های قرآنی و تفسیری و فراگیر شدن فرهنگ قرآنی به نشانی: [تهران - صندوق پستی ۱۴۱۸۵/۵۸۶](mailto:tehran@qaraati.ir) ارسال نمایند.

مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن



سیمای سوره‌ی احزاب

این سوره در مدینه نازل شده و هفتاد و سه آیه دارد. یهودیان مدینه، مشرکان مکه و منافقان پنهان در میان مسلمانان، در سال پنجم هجری برای جنگ با مسلمانان متحد شدند و پیامبر و یارانش در برابر هجوم آنان، در اطراف مدینه خندق کردند. این جنگ از آن جهت که توسط گروه‌های مختلف برنامه‌ریزی شد، جنگ احزاب، و از آن جهت که مسلمانان برای دفاع از خود، خندق کردند، به جنگ خندق معروف شد. در مجموع، هفده آیه از این سوره درباره‌ی جنگ احزاب است و چون در آیات ۲۰ و ۲۲، سه بار کلمه‌ی احزاب به کار رفته، لذا این سوره، «احزاب» نام گرفته است. علاوه بر جنگ احزاب، مسائلی در مورد ظهار و طلاق جاهلی، احکام پسرخواندگی، موضوع حجاب و توجّه به معاد در این سوره مطرح شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

﴿۱﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

ای پیامبر! از خداوند پروا کن و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خداوند دانا و حکیم است.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «ایها» به دنبال حرف ندای «یا» برای آن است که غیر از مخاطب، دیگران نیز متوجه باشند؛ وقتی گفته می‌شود: «یا رسول الله» مخاطب، تنها پیامبر است، ولی «یا ایها الرسول» یعنی: ای مردم! من پیامبر را صدا می‌زنم.^۱

پیام‌ها:

- ۱- پیامبر اسلام، در پیشگاه خداوند مقام خاصی دارد. ﴿یا ایها النبی﴾ (در قرآن سایر انبیا با نام خوانده شده‌اند؛ یا ابراهیم! یا نوح! یا موسی! یا یحیی! ولی «یا محمد» در قرآن نیامده است).
- ۲- حتی پیامبر اکرم ﷺ نیز، به موعظه‌ی الهی نیازمند است. ﴿یا ایها النبی اتق الله﴾
- ۳- دستور به پیامبر، در حقیقت دستور به پیروان است. ﴿یا ایها النبی﴾

۱. تفسیر کبیر فخر رازی.

۴- با احیای معروف، جلو منکر را بگیریم. (اول، اطاعت از خدا، بعد دوری از کافران و منافقان) ﴿اتق الله و لا تطع الکافرین و المنافقین﴾
 ۵- پیروی از کافران و منافقان، بی‌تقوایی است. ﴿اتق الله و لا تطع الکافرین و المنافقین﴾

۶- کفار و منافقان در نظر دارند به هر نحو ممکن نظر رهبران دینی را به خود جلب کنند. ﴿لا تطع الکافرین و المنافقین﴾

۷- زمانی می‌توان با انحراف‌ها و پیشنهادهای سازشکارانه مبارزه کرد که ایمان و تقوا قوی باشد. ﴿اتق الله و لا تطع﴾

۸- کافران و منافقان در یک خط هستند. ﴿الکافرین و المنافقین﴾

۹- اطاعت از خدای علیم و حکیم توجیه دارد، ﴿علیماً حکیماً﴾ ولی پیروی از کافران و منافقان بی‌علم و حکمت چه توجیهی دارد؟
 ﴿اتق الله... علیماً حکیماً﴾

۱۰- سرچشمه‌ی دستورهای خداوند مبنی بر ترک اطاعت از کفار و منافقین، علم و حکمت اوست. ﴿علیماً حکیماً﴾

﴿۲﴾ وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

و از آنچه از سوی پروردگارت به تو وحی می‌شود پیروی کن که خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

پیام‌ها:

- ۱- هرگاه راه انحرافی را می‌بندید، راه روشنی را باز بگذارید. ﴿لا تطع - واتبع﴾
- ۲- راه رسیدن به تقوا، تنها پیروی از وحی است. (در آیه‌ی قبل فرمود: ﴿اتق الله﴾، در این آیه می‌فرماید: ﴿اتبع ما یوحی الیک﴾)
- ۳- وحی، از شئون ربوبیت خداوند است. ﴿من ربک﴾ (پیروی از

وحی، وسیله‌ی رشد و تربیت شماست. ﴿رَبِّكَ﴾

۴- ایمان به علم الهی، قوی‌ترین اهرم برای پیروی از وحی است.

﴿وَاتَّبِعْ... إِنَّ اللَّهَ... خَبِيرٌ﴾

﴿۳﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا

و بر خداوند توکل کن، و همین بس که خداوند وکیل و نگهبان (تو) است.

﴿۴﴾ مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ
أَزْوَاجَكُمْ الْآتِي تَظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ
أَبْنَاءَكُمْ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي
السَّبِيلَ

خداوند برای هیچ مردی در درونش دو دل قرار نداده است؛ و هرگز همسرانی را که مورد «ظهار» قرار می‌دهید مادران شما قرار نداده؛ (و نیز) فرزندان خوانده‌های شما را پسر (واقعی) شما قرار نداده است. این (قرار دادن همسر به منزله‌ی مادر و فرزند خوانده به منزله‌ی فرزندان) سخنی است که شما به زبان می‌گویید، و خداوند حق می‌گوید و اوست که به راه (راست) هدایت می‌کند.

نکته‌ها:

□ «ادعیاء» جمع «دعی»، به معنای ادعا و نسبت فرزند و یا چیزی دیگر به دیگران است.

□ «ظهار» یعنی آنکه مردی به همسرش بگوید: تو همچون مادرم بر من حرام هستی. این کار که در زمان جاهلیت به عنوان نوعی طلاق رسم بوده، حرام است و کفارہ دارد. برای توضیح بیشتر به کتب فقهی مراجعه کنید.

□ قرآن، احساسات و عواطف و گرایش‌های درونی را به قلب انسان نسبت می‌دهد.

پیام‌ها:

۱- پیروی نکردن از کافران و منافقان و پیروی از وحی، مشکلاتی دارد که راه مبارزه با آن توکل به خداست. ﴿لَا تَطْعَمُ - وَاتَّبِعْ - وَتَوَكَّلْ﴾

۲- سعی کنیم دلیل دستورها را بیان کنیم. ﴿تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ - كَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ (کسی که خدا دارد چه ندارد؟)

۳- گرایش‌های قلبی و فطری انسان، یک چیز بیشتر نیست و هر چه انسان بر خلاف آن بگوید یا عمل کند، نفاق شخصی اوست نه اراده‌ی الهی. ﴿وَمَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ﴾

۴- در یک دل، دو دوستی متضاد جمع نمی‌شود. ﴿مِن قَلْبَيْنِ﴾ (دوستی و پیروی از وحی، با ولایت و پیروی از کافران و منافقان سازگار نیست).

۵- رابطه‌ی پدر و مادر با فرزند، یک رابطه‌ی حقیقی و طبیعی است نه تشریفاتی و قراردادی. (نه همسر، مثل مادر می‌شود، ﴿مَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمْ الْآتِي تَظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ﴾ و نه فرزند خوانده، فرزند می‌شود. ﴿مَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ﴾

۶- یکی از وظایف انبیا، زدودن خرافات از جامعه است. ﴿مَا جَعَلَ... ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ﴾

۷- معیار حق و باطل، وحی الهی است، نه رسم و رسوم و آداب و عادات اجتماعی. ﴿ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ﴾

﴿۵﴾ اَدْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ اَقْسَطُ عِنْدَ اللّٰهِ فَاِنْ لَّمْ تَعْلَمُوْا
 اَبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِى الدِّىْنِ وَ مَوَالِيكُمْ وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ
 فِىْمَا اَخْطَاْتُمْ بِهٖ وَ لٰكِنْ مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوْبُكُمْ وَ كَانَ اللّٰهُ عَفُوْرًا
 رَّحِيْمًا

آنان (پسر خواندگان) را به نام پدرانشان بخوانید، که این نزد خداوند عادلانه تر است، پس اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، آنان برادران دینی و موالی شما هستند؛ و در آنچه (پیش از این) خطا کردید (و پسر خواندگان را فرزند خود دانستید) گناهی بر شما نیست، ولی در آنچه دل‌هایتان قصد و عمد داشته (مسئولید) و خداوند آمرزنده‌ی مهربان است.

پیام‌ها:

- ۱- رابطه‌ی نسبی افراد را با پدران واقعی‌شان حفظ کنیم. ﴿ادعوهم لآبائهم﴾ (در شناسنامه‌ی افراد باید نام پدرشان باشد).
- ۲- با افرادی که پدرشان شناخته شده نیست، محترمانه، عاطفی و برادرانه رفتار کنیم. ﴿فاخوانکم فی الدین﴾ (افرادی در جنگ‌ها اسیر و سپس مسلمان می‌شدند، ولی مسلمانان پدر آنان را نمی‌شناختند).
- ۳- «برادر دینی»، یک اصطلاح قرآنی است. ﴿اخوانکم فی الدین﴾
- ۴- برده‌های آزاد شده‌ای را که پدرشان معلوم نیست، دوست و مولی بخوانید. ﴿و موالیکم﴾
- ۵- قصد، نیت و آگاهی، در ارتکاب جرم مؤثر است. ﴿اخطاتم - تعمّدت قلوبکم﴾
- ۶- تغییر آگاهانه‌ی شناسنامه‌ها و نسبت‌ها جرم است. ﴿و لکن ما تعمّدت قلوبکم﴾

۷- به حساب نیاوردن گناهان غیر عمد و خطایی، برخاسته از آمرزندگی و مهربانی خداوند است. ﴿لیس علیکم جناح فیما اخطاتم... و كان الله غفوراً رحیماً﴾

۸- مغفرت خداوند همراه با مهربانی و شفقت است. ﴿غفوراً رحیماً﴾

﴿۶﴾ اَلنَّبِیُّ اَوْلٰی بِالْمُؤْمِنِیْنَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ وَاَزْوَاجُهُ اُمَّهَاتُهُمْ
 وَاُولُوْا الْاَرْحَامِ بَعْضُهُمْ اَوْلٰی بِبَعْضٍ فِىْ كِتَابِ اللّٰهِ مِنَ
 الْمُؤْمِنِیْنَ وَ الْمُهَاجِرِیْنَ اِلَّا اَنْ تَفْعَلُوْا اِلٰی اَوْلِیَائِكُمْ مَّعْرُوْفًا
 كَانَ ذٰلِكَ فِى الْكِتَابِ مَسْطُوْرًا

پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است، و همسران او (در حرمت نکاح مانند) مادران مؤمنان محسوب می‌شوند، و در کتاب خداوند، خویشاوندان (نسبی) بعضی نسبت به بعضی از مؤمنان و مهاجران (که قبلاً بر اساس ایمان و هجرت ارث می‌بردند، در ارث بردن) اولویت دارند، مگر آن که بخواهید نسبت به دوستانان نیکی کنید (و سهمی از اموال خود را در قالب وصیت به آنان بدهید)؛ این (حکم) در کتاب (الهی) نوشته شده است.

نکته‌ها:

- در تفسیر مجمع البیان می‌خوانیم: پیامبر اکرم صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ میان مسلمانان (انصار و مهاجرین) عقد اخوت برقرار کرده بود، به گونه‌ای که مثل برادر حقیقی از یکدیگر ارث می‌بردند، زیرا مهاجران در آغاز، از وطن و اموال و بستگان خود دور شده بودند و عقد اخوت، این موارد را جبران می‌کرد تا آنکه آیه نازل شد و چنین ارثی را لغو کرد و فرمود: ملاک ارث بردن، خویشاوندی است.

□ هنگامی که فرمان پیامبر ﷺ در مورد حرکت برای جنگ تبوک صادر شد، بعضی گفتند: ما باید از والدین خود اجازه بگیریم. این جمله نازل شد که «الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ»^۱.

□ پیامبر اکرم ﷺ در روز غدیر خم که به فرمان خداوند، حضرت علی عَلِيٌّ را به جانشینی خود منصوب فرمود، قبل از معرفی و نصب آن حضرت، جمله‌ی «أَلَسْتُ أُولَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» را بیان فرمودند و از آنان اقرار گرفتند که آیا طبق آیه قرآن، من از شما حتی نسبت به خودتان اولویت ندارم؟! همه گفتند: بله.

آنگاه پیامبر ﷺ فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»^۲.

□ اولویت پیامبر بر مؤمنان، در مسایل حکومتی و فردی و تمام امور است. «الَّتِي أُولَىٰ»

چنانکه در آیه‌ی ۳۶ همین سوره می‌خوانیم: برای هیچ زن و مرد با ایمانی در برابر قضاوت پیامبر حق انتخاب و اختیاری نیست. «مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ»

در روایات بسیاری آمده است: پیامبر اکرم ﷺ، این اولویت را برای امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز قائل بودند.^۳

□ در حدیث می‌خوانیم: رسول خدا ﷺ فرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ مَالِهِ وَ وَ لَدِهِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ» سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، ایمان هیچ یک از شما کامل نیست، مگر این که مرا از جان و مال و فرزند و از همه‌ی مردم بیشتر دوست داشته باشد.^۴

پیام‌ها:

۱- پیامبر، بر تمام مؤمنان ولایت کامل دارد و ولایت آن حضرت بر مردم، از ولایت خودشان بر امورشان برتر است. «الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ» (در جامعه اسلامی، باید دین سالاری باشد).

۲- لازمه‌ی ایمان به خداوند، پذیرش ولایت رسول خداست. «الَّتِي أُولَىٰ»

۳- احترام همسران پیامبر لازم است. «أَزْوَاجَهُ أُمَّهَاتِهِمْ» (حتی پس از رحلت پیامبر، کسی حق ندارد با همسران پیامبر ازدواج کند).

۴- قرار گرفتن همسران پیامبر به منزله‌ی مادر، سبب ارث بردن آنان از مردم نمی‌شود. «وَأَزْوَاجَهُ أُمَّهَاتِهِمْ وَ أَوْلُوا الْأَرْحَامَ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ»

۵ - خویشاوندی و پیوندهای خانوادگی، اولویت آور است. «أَوْلُوا الْأَرْحَامَ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ»

۶- قوانین ثابت ارث، مانع رسیدگی به وضعیت دوستان محروم نشود. «إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا»

۷- اولویت خویشاوندان در ارث، بعد از عمل به وصیت است. «وَ أَوْلُوا الْأَرْحَامَ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ... إِلَّا تَفْعَلُوا...» (آری، اگر فردی وصیت کرد که بخشی از مال او صرف دوستانش شود، اول باید به وصیت عمل شود و سپس تقسیم شود).

۸- احکام و مسایل حقوقی را در امور خانوادگی جدی بگیریم. «فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا»

۹- ثبت و ضبط امور، کاری الهی است. «فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا»

۲. بحار، ج ۲۱، ص ۳۸۷.

۴. تفسیر نمونه به نقل از فی ظلال.

۱. تفسیر مجمع البیان.

۳. تفسیر نورالثقلین.

﴿۷﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا

(و به یاد آور) هنگامی که ما از پیامبران پیمان گرفتیم، و (همچنین) از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی فرزند مریم، و از همه‌ی آنان پیمانی استوار گرفتیم (که در ادای مسئولیت و دعوت کوتاهی نکنند).

نکته‌ها:

□ از میان پیامبران، پنج نفر اولوا العزم یعنی دارای کتاب و شریعت بوده و از جایگاه خاصی نزد خداوند برخوردار بوده‌اند، این آیه آنان را به خصوص نام برده است.

البته پیامبر اسلام قبل از بقیه بیان شده، که دال بر عظمتی دیگر است،^۱ چنانکه از مادر حضرت عیسی نام برده شده که بیانگر موقعیت ویژه حضرت مریم و تولد معجزه‌آسای آن حضرت است.

پیام‌ها:

۱- برای آماده سازی روحی و تربیتی، آشنایی با تاریخ و سنت‌های الهی لازم است. (اگر ما از تو میثاق می‌گیریم، سنت و برنامه‌ی ما این است که از همه‌ی انبیا پیمان گرفته‌ایم). ﴿اخذنا من النبیین﴾
 ۲- اگر پیامبر اولی بر مردم است، مسئولیت و پیمان سختی نیز بر عهده‌ی اوست. ﴿اخذنا - میثاقهم و منك﴾ هر کس مقام برتری دارد، وظیفه‌اش سخت‌تر است. (خداوند از همه انبیا میثاق گرفت ولی از پیامبران اولواالعزم، میثاق غلیظ گرفت) ﴿میثاقاً غلیظاً﴾

﴿۸﴾ لَيْسَئِلَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا

(خداوند از پیامبران پیمان محکم گرفت) تا راستگویان را از صداقتشان (در ایمان و عمل صالح) بازخواست کند؛ و برای کافران عذابی دردناک آماده کرده است.

نکته‌ها:

□ شاید مراد از صادقین، انبیا باشند، یعنی خداوند از آنان پیمان گرفت تا در قیامت طبق همان پیمان و اقرار بازخواست کند و شاید مراد این باشد که خداوند از انبیا در ابلاغ وحی الهی به مردم پیمان سخت گرفت تا بشود از صداقت یا کفر مردم بازخواست کرد.

□ در قرآن، صادقان جایگاه خاصی دارند که با تعبیر ﴿صدقوا ما عاهدوا الله عليه﴾^۱، ﴿اولئك هم الصادقون﴾^۲ و ﴿كونوا مع الصادقين﴾^۳ از آنان یاد شده است.

□ امام صادق علیه السلام فرمود: «در صورتی که راستگو از راستی‌اش سؤال می‌شود که به چه انگیزه‌ای بوده و بر طبق آن جزا داده می‌شود، پس حال دروغگو چگونه خواهد بود؟!»^۴

□ در این آیه به جای آنکه در مقابل کافرین، مؤمنان قرار گیرد، صادقین آمده است. یعنی لازمه‌ی تفکیک‌ناپذیر ایمان، صداقت است.

پیام‌ها:

۱- پیمان گرفتن‌های الهی، هدفدار است و هدف، تفکیک صادقان از کافران است. ﴿لیسئل الصادقین - اعد للکافرین﴾

۱. احزاب، ۲۳. ۲. حجرات، ۱۵. ۳. توبه، ۱۱۹. ۴. تفاسیر مجمع‌البیان و برهان.

﴿ ۹ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید، آن گاه که (دشمنان شما در قالب) لشکریانی به سراغتان آمدند، ولی ما (برای دفاع از شما) تند بادی (سخت) و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید بر آنان فرستادیم، (و بدین وسیله دشمنان را قلع و قمع کردیم)، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست.

نکته‌ها:

□ این آیه و شانزده آیه پس از آن، به جنگ احزاب مربوط است که در سال پنجم هجری واقع شد. در این جنگ که یهودیان و مشرکان و منافقان قصد کودتا و تصرف مدینه را داشتند، مسلمانان با پیشنهاد سلمان فارسی و موافقت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اطراف مدینه را خندق کردند و در برابر دشمن استقامت کردند. در حفر خندق نیز، اولین کلنگ را خود رسول الله به زمین زد و هر بار که بر اثر اصابت کلنگ به سنگ برقی می‌جهید، پیامبر پیروزی اسلام بر منطقه‌ای از جهان را بشارت می‌داد. خداوند در این نبرد به وسیله‌ی وزش باد و نزول فرشتگان مسلمانان را یاری کرد.

پیام‌ها:

۱- شرط دریافت امدادهای الهی، ایمان و تلاش است. ﴿یا ایها الذین آمنوا اذکروا نعمة الله﴾ (مسلمانان آماده‌ی دفاع شدند، خندق کردند و سپس یاری شدند).

۲- یاد نعمت‌ها، مورد سفارش خداوند است. ﴿اذکروا نعمة الله﴾ یاد امدادهای الهی، روحیه‌ی رزمندگان را بالا می‌برد.

۳- انسان در معرض فراموشی نعمت است و به تذکر نیاز دارد.

﴿ اذکروا نعمة الله ﴾

۴- پاسخ جنود را باید با جنود داد. ﴿جاء تکم جنود - فارسلنا ... جنوداً﴾

۵- پیروزی‌ها را از خدا بدانیم.^۱ ﴿فارسلنا عليهم﴾

۶- با اراده خداوند باها هم سرباز می‌شوند. ﴿فارسلنا عليهم ریحاً﴾

۷- فرشتگان، هم به مؤمنان دعا می‌کنند و هم آنان را بشارت و امداد می‌دهند. ﴿فارسلنا - جنوداً﴾

۸- اگر خداوند ببیند که ما به وظیفه‌ی خود عمل می‌کنیم، امدادهای خود را بر ما نازل می‌کند. ﴿کان الله بما تعملون بصیراً﴾

﴿ ۱۰ ﴾ إِذْ جَاءَ وَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ

الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا

آن گاه که دشمنان از بالا و پایین (شهر) شما به سراغتان آمدند (و مدینه را محاصره کردند). و آن گاه که چشم‌ها (از ترس) خیره شده بود و جان‌ها به حنجره‌ها رسیده بود، و به خداوند گمان‌های (بدی) می‌بردید.

﴿ ۱۱ ﴾ هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا

آن جا بود که مؤمنان آزمایش شدند و به لرزه‌ی سختی دچار شدند.

پیام‌ها:

۱- زمانی مزه‌ی الطاف الهی را می‌چشید که صحنه‌های تلخ را نزد خود مجسم کنید. ﴿اذ جاؤکم - اذ زاغت﴾

۲- مسلمانان باید مراقب تمام مرزهای کشور خود باشند. ﴿فوقکم - اسفل منکم﴾

۱. امام خمینی ره در فتح خرمشهر فرمود: «خرمشهر را خدا آزاد کرد».

۳- حالت‌های روحی در جسم اثر می‌گذارد. (ترسیدن سبب می‌شود که چشم و دل کار عادی خود را از دست بدهند، خیره شدن چشم و تند شدن ضربان قلب نمونه آن است). ﴿زَاغَتِ الْاَبْصَارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ﴾

۴- بعضی مؤمنان، به هنگام بروز پیش آمدهای سخت به قدرت خداوند سوء ظن می‌برند. ﴿تَظُنُّونَ بِاللَّهِ﴾

۵- مؤمن در معرض ابتلا و آزمایش است. ﴿اِبْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ﴾

۶- جنگ، ترس، وحشت و شرایط سخت، وسیله آزمایش‌اند. ﴿هِنَالِكَ اِبْتُلِيَ﴾

۷- در سختی‌ها، انسان‌ها شناخته و صف‌ها جدا می‌شوند. ﴿هِنَالِكَ اِبْتُلِيَ﴾ (در میدان‌های جنگ، از حضور روشنفکرانها و منافقان خبری نبود).

۸- استواری انسان، در گرو استواری روحیه‌ی اوست. (اگر روح ضربه دید انسان متزلزل می‌شود). ﴿زَلْزَلُوا﴾

﴿۱۲﴾ وَ اِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَ رَسُوْلُهُ اِلَّا غُرُوْرًا

و آن‌گاه که منافقان و کسانی که در روحشان بیماری (شک و تردید) بود، گفتند: خدا و پیامبرش جز وعده‌های فریبنده به ما ندادند.

پیام‌ها:

۱- تلاش‌های تبلیغاتی منافقان دائمی است. ﴿يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ﴾

۲- مایوس کردن رزمندگان و تضعیف روحیه‌ی آنان، نشانه‌ی انحراف و نفاق است. ﴿مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ...﴾

۳- در میان یاران پیامبر، برخی دچار شک و تردید و برخی دچار نفاق و دورویی بودند. ﴿مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَ رَسُوْلُهُ اِلَّا غُرُوْرًا﴾

﴿۱۳﴾ وَ اِذْ قَالَتْ طَآئِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا اَهْلَ اَيُّهَا النَّبِيُّ قُمْ لِنُفِثْ بِكُمُ الْفَارِجُوعًا وَ يَسْتَتِنُنَّ فَرِيْقًا مِّنْهُمْ اَلنَّبِيُّ يَقُوْلُوْنَ اِنَّ بَيُوْتَنَا عَوْرَةٌ وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ اِنَّ يُرِيْدُوْنَ اِلَّا فِرَارًا

و آن‌گاه که گروهی از آنان گفتند: ای مردم مدینه! (در صحنه جنگ) برای شما جای ماندن نیست، پس برگردید. و گروهی از آنان از پیامبر اجازه (بازگشت) می‌خواستند (و) می‌گفتند: همانا خانه‌های ما بی حفاظ است. در حالی که بی حفاظ نبود و آنان جز فرار (از جنگ) قصد دیگری نداشتند.

پیام‌ها:

۱- گروهی از منافقان با شایعه پراکنی، ﴿قَالَتْ طَائِفَةٌ... لا مقام لكم﴾ و گروهی با فرار از جبهه، ﴿يَسْتَأْذِنُ فَرِيْقٌ مِّنْهُمْ﴾ در صدد تضعیف روحیه مؤمنان بودند.

۲- از تبلیغات منافقان برای دلسرد کردن رزمندگان، غافل نباشیم. ﴿لا مقام لكم﴾

۳- فرمانده جنگ، شخص پیامبر اکرم ﷺ بود. ﴿يَسْتَأْذِنُ فَرِيْقٌ مِّنْهُمْ النَّبِيُّ﴾

۴- قوای مسلح باید به قدری منظم باشد که هیچ کس حق خروج از لشکر را بدون مرخصی نداشته باشد. ﴿يَسْتَأْذِنُ فَرِيْقٌ مِّنْهُمْ النَّبِيُّ﴾

۵- آرامش و امنیت فکری و خانوادگی برای رزمنده به قدری ضروری است که منافقان، دغدغه آن را بهانه ترک جبهه خود قرار دادند. ﴿اِنَّ بَيُوْتَنَا عَوْرَةٌ﴾

۶- کسی که از خانه و زندگی دل نکند، نمی‌تواند موفق باشد. ﴿اِنَّ بَيُوْتَنَا عَوْرَةٌ﴾

۷- منافق، ترسو و بهانه‌گیر است. (به خاطر نداشتن شهادت، به جای

موضع گیری صریح، بهانه گیری می کند.) ﴿بیوتنا عورة﴾

- ۸- دشمن از مذهب، علیه مذهب استفاده می کند. (بهانه‌ی منافقان «حفظ ناموس» بود که یک دستور مذهبی است.) ﴿بیوتنا عورة﴾
 ۹- وحی، افکار پلید منافقان را آشکار و آنان را رسوا می کند. ﴿و ما هی بعورة ان یریدون الا فرارا﴾

﴿۱۴﴾ وَ لَوْ دَخَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سَأَلُوا الْفِتْنَةَ لَأْتَوْهَا
 وَ مَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا

و (آن منافقان و بیمار دلان چنان بودند که) اگر (دشمنان) از اطراف مدینه بر آنان وارد می شدند و از آنان تقاضای فتنه‌گری می کردند، به سرعت می پذیرفتند، و جز مدت کمی درنگ نمی کردند.

﴿۱۵﴾ وَ لَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَ كَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا

در حالی که آنان پیش از این با خداوند پیمان بسته بودند که (به دشمن) پشت نکنند؛ و پیمان الهی بازخواست شدنی است.

نکته‌ها:

- فرار نکردن از جبهه و جنگ، ﴿لا یؤلون الادبار﴾ از شروط ایمان به خدا و پیامبر است؛ خداوند می فرماید: این عهد مورد بازخواست و سؤال واقع خواهد شد. ﴿کان عهد الله مسئولا﴾

پیام‌ها:

- ۱- دشمن برای ایجاد فتنه از منافقان داخلی کمک می گیرد. ﴿سئلوا الفتنه﴾

- ۲- منافقان به راحتی از حق برگشته، به دشمن رو می کنند و فتنه به پا می نمایند. ﴿لأتوها﴾

- ۳- پذیرش درخواست کافران به صورت عجلولانه و بی تفکر، نشانه‌ی بی هویتی است. ﴿سئلوا... ما تلبثوا بها الا یسیرا﴾
 ۴- پیمان بستن مهم نیست، وفاداری مهم است. ﴿عاهدوا الله... لا یؤلون الادبار﴾

- ۵- پیمان خداوند را سرسری نگیریم که قطعاً مورد سؤال و توییح قرار می گیریم. ﴿کان عهد الله مسئولا﴾

﴿۱۶﴾ قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوْ الْقَتْلِ
 وَإِذَا لَا تُمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا

بگو: اگر از مرگ یا کشته شدن فرار کنید، این فرار هرگز برای شما سودی ندارد و (بر فرض که سودتان دهد) در آن صورت جز بهره اندکی خواهید برد.

پیام‌ها:

- ۱- از مقدّرات حتمی خداوند، نظیر مرگ نمی توان فرار کرد. ﴿لن ینفعکم الفرار... من الموت او القتل﴾
 ۲- به خاطر کامیابی زودگذر، سعادت ابدی را از دست ندهید. ﴿لا تمتعون الا قلیلا﴾

﴿۱۷﴾ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكَ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَ لَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَ لَا نَصِيرًا

بگو: اگر خداوند برای شما رنجی یا رحمتی اراده کند، کیست که شما را در برابر (اراده) خداوند مصون بدارد؟ در حالی که آنان غیر از خداوند برای خود نه کارسازی می یابند و نه یاری دهنده‌ای.

نکته‌ها:

- اراده خداوند در مورد بروز گرفتاری و سختی برای انسان بدین معناست

که انسان با اختیار خود و انجام اعمال ناشایست (مانند فرار از جنگ)، خود را به سمت آتش قهر الهی می‌کشانند و چون تمام کارها به اراده‌ی الهی صورت می‌گیرد، این گرفتاری‌ها به خداوند نسبت داده می‌شود.

پیام‌ها:

۱- وجدان‌ها را با طرح سؤال بیدار کنید. ﴿قُلْ مَنْ ... يَعْصِمُكَ مِنَ اللَّهِ﴾

۲- رحمت و عذاب، تلخی و شیرینی، در مدار اراده‌ی خداوند به انسان می‌رسد. ﴿ارَادَ بِكُمْ سُوءًا - ارَادَ بِكُمْ رَحْمَةً﴾ (البته اراده‌ی سوء یا رحمت خداوند، با توجه به حکمت است).

﴿۱۸﴾ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِيْتِنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا

بدون شک خداوند کسانی از شما که مردم را (از جبهه و جهاد) باز می‌داشتند و کسانی را که به برادران خود می‌گفتند: به سوی ما بیاوید (و خود را به کشتن ندهید) به خوبی می‌شناسد؛ (آنان ضعیف و ترسو هستند) و جز اندکی به جبهه نمی‌روند.

نکته‌ها:

□ «مُعَوِّق» به معنای باز دارنده و «بأس» به معنای سختی و میدان کارزار و جهاد است.

□ در قرآن به انواع برادری اشاره شده است:

الف: برادری طبیعی که از طریق والدین می‌باشد.

ب: برادری دینی که به واسطه‌ی هم‌کیشی حاصل می‌شود ﴿أَنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾^۱

ج: برادری سیاسی و حزبی که در این آیه به آن اشاره شده است.

د: برادری رفتاری که به واسطه‌ی پیروی حاصل می‌شود. چنانکه مبذّرین، برادران شیطان معرفی شده‌اند. ﴿أَنَّ الْمُبذَّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ﴾^۱

□ مراد از جمله ﴿الْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ﴾، دعوت منافقان از مسلمانان ضعیف‌الایمان برای ترک جبهه است.

پیام‌ها:

۱- خداوند به تمام حرکات و تبلیغات سوء دشمنان، آگاه است. ﴿يَعْلَمُ اللَّهُ﴾

۲- منافقان بز دل که خود از جبهه فرار می‌کنند، مانع حضور دیگران در جبهه می‌شوند. ﴿الْمُعَوِّقِينَ... الْقَائِلِينَ﴾

۳- هر گونه دلسرد کردن رزمندگان، نزد خداوند گناه است. ﴿يَعْلَمُ اللَّهُ... الْقَائِلِينَ... هَلُمَّ إِلَيْنَا﴾

۴- جبهه رفتن مهم نیست، جبهه ماندن مهم است. ﴿لَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا﴾

﴿ ۱۹ ﴾ أَشْحَةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُعْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالسِّنَةِ حِدَادٍ أَشْحَةً عَلَى الْخَيْرِ أَوْلَيْتَكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَاَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

در حالی آنان بر یاری شما بخیل هستند، که هرگاه (لحظات) بیم (و جنگ) پیش آید، آنان را می بینی چنان به تو می نگرند که چشمانشان (در حلقه) می چرخد، همچون کسی که مرگ او را فرا گرفته، پس همین که ترس از میان رفت، زبان های تند و خشن (خود را) بر شما می گشایند، در حالی که نسبت به خیر (مال و غنیمت) بخیل هستند، آنان ایمان (واقعی) ندارند و خداوند اعمالشان را محو نموده؛ و این کار بر خداوند آسان است.

نکته ها:

- کلمه ی «اشْحَةُ» جمع «شحیح» از «شُحٌّ» به معنای بخلی است که همراه با حرص باشد.
- «سَلَقُوكُمْ» از «سَلَقَ»، به معنای مغلوب کردن و شکست دادن است، یعنی می خواهند با تبلیغات و زخم زبان خود مسلمانان را مغلوب کنند و شکست دهند.
- «حِدَادٍ» جمع «حَدید» به معنای تیز و خشن است.

پیام ها:

- ۱- منافقان، هرگز خیرخواه شما نیستند؛ به هنگام خطر از کمک و حضور در جبهه بخل می ورزند، «اشْحَةُ عَلَيْكُمْ» و پس از برطرف شدن خطر، به جمع غنائم حریص هستند. «اشْحَةُ عَلَى الْخَيْرِ»
- ۲- منافقان، تلخی ها را از جانب پیامبر و مسلمانان می بینند. «فَإِذَا

جاء الخوف... ينظرون اليك ﴿

۳- منافقان در شرایط بحرانی تعادل خود را از دست می دهند. ﴿فَإِذَا

جاء الخوف... تدور اعينهم ﴿

۴- حالات روحی، در چهره ی انسان اثر می گذارد. ﴿تدور اعينهم ﴿

۵- منافقان، کم کار و پرگو هستند. هنگام جنگ و سختی ترسوترین مردم و هنگام آرامش طلبکارترین مردم هستند. ﴿اشْحَةُ عَلَيْكُمْ -

اشْحَةُ عَلَى الْخَيْرِ ﴿

۶- ترس، بخل، زخم زبان و توقع نابجا از نشانه های بارز منافقان

است. ﴿اشْحَةُ - تدور اعينهم - السنة حداد ﴿

۷- حبط اعمال گناهکاران، حکیمانه و بر اساس عملکرد خود انسان

است. ﴿لَمْ يُؤْمِنُوا فَاَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ ﴿

۸- نفاق، عامل حبط و تباه شدن اعمال است. ﴿احْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ ﴿

۹- رفتار منافقان، (بخل، زخم زبان و دلسرد کردن مردم از حضور

در جبهه و...) نمی تواند مشکلی برای اراده خداوند به وجود

آورد. ﴿كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿

﴿ ۲۰ ﴾ يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ

يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْتَأْذِنُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ

كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا

(آنها به قدری وحشت زده شده اند که) می پندارند احزاب

(مشرک و یهود مهاجم) هنوز پراکنده نشده اند و اگر (بار دیگر)

دسته های دشمن (به سراغ مسلمانان) آید، دوست دارند کاش

میان اعراب بادیه نشین بودند (و درگیر جنگ نمی شدند) و تنها

از اخبار (مربوط به) شما جويا می شدند و این افراد اگر در میان

شما بودند جز اندکی نمی جنگیدند.

نکته‌ها:

□ به عرب شهرنشین «عربی» و به عرب بادیه نشین «اعرابی» گویند. کلمه‌ی «بادون» جمع «بادی» است و به کسی گفته می‌شود که در بادیه و بیابان ساکن باشد.

پیام‌ها:

۱- افراد ترسو و سست ایمان، همواره دشمن را قوی‌تر از مسلمانان تصور می‌کنند. (منافقان گمان می‌کردند تا احزاب یهود و مشرک مدینه را فتح نکنند پراکنده نخواهند شد). ﴿يَحْسِبُونَ الْاحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا﴾

۲- خود باختگی، قدرت فهم واقعیات را از انسان می‌گیرد. ﴿يَحْسِبُونَ... لَمْ يَذْهَبُوا﴾

۳- افراد سست ایمان، زندگی در جوامع دور از فرهنگ را بر زندگی در جامعه‌ی دینی، ترجیح می‌دهند. ﴿يُودُّوْا لَوْ اَنْهَم بَادُونَ﴾
۴- افراد سست ایمان به جای حضور در صحنه جامعه، به خواندن روزنامه‌ها و شنیدن اخبار رادیوها سرگرمند. ﴿يَسْتَلُونَ عَنِ اَنْبَاكُمْ﴾

۵- افراد سست ایمان، اهل نبرد و استقامت نیستند. ﴿مَا قَاتَلُوا اِلَّا قَلِيْلًا﴾

﴿۲۱﴾ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ اُسُوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْاٰخِرَ وَ ذَكَرَ اَللَّهَ كَثِيْرًا

همانا برای شما در (سیره‌ی) رسول خدا الگو و سرمشقی نیکوست، (البته) برای کسانی که به خدا و روز قیامت امید دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.

نکته‌ها:

□ «أسوة» در مورد تأسی و پیروی کردن از دیگران در کارهای خوب به کار می‌رود. در قرآن دوبار این کلمه درباره‌ی دو پیامبر عظیم الشان آمده است: یکی درباره حضرت ابراهیم عليه السلام و دیگری درباره پیامبر اسلام صلى الله عليه وسلم. جالب آن که أسوه بودن حضرت ابراهیم در براءت از شرک و مشرکان است و اسوه بودن پیامبر اسلام در آیات، مربوط به ایستادگی در برابر دشمن است.

□ نقش پیامبر در جنگ احزاب، الگوی فرماندهان است: هدایت لشکر، امید دادن، خندق‌کندن، شعار حماسی دادن، به دشمن نزدیک بودن و استقامت نمودن. حضرت علی عليه السلام فرمود: در هنگامه‌ی نبرد، خود را در پناه پیامبر اکرم صلى الله عليه وسلم قرار می‌دادیم و آن حضرت از همه‌ی ما به دشمن نزدیک‌تر بود. «اتَّقِينَا بِرَسُولِ اَللَّهِ صلى الله عليه وسلم فَلَمْ يَكُنْ مَتًّا اَقْرَبَ اِلَى الْعَدُوِّ مِنْهُ»^۱
□ این آیه گرچه در میان آیات جنگ احزاب است؛ اما الگو بودن پیامبر، اختصاص به مورد جنگ ندارد و پیامبر در همه‌ی زمینه‌ها، بهترین الگو برای مؤمنان است.

پیام‌ها:

- ۱- در الگو بودن پیامبر شک نکنید. ﴿لَقَدْ﴾
- ۲- الگو بودن پیامبر، دائمی است. ﴿كَانَ﴾
- ۳- گفتار، رفتار و سکوت معنادار پیامبر حجت است. ﴿لَكُمْ فِي رَسُولِ اَللَّهِ اُسُوَةٌ حَسَنَةٌ﴾
- ۴- معرفتی الگو، یکی از شیوه‌های تربیت است. ﴿لَكُمْ - اُسُوَةٌ﴾
- ۵- باید الگوی خوب معرفتی کنیم، تا مردم به سراغ الگوهای بدلی نروند. ﴿رَسُولِ اَللَّهِ اُسُوَةٌ﴾
- ۶- بهترین شیوه‌ی تبلیغ، دعوت عملی است. ﴿اُسُوَةٌ﴾

۷- کسانی می توانند پیامبر اکرم را الگو قرار دهند که قلبشان سرشار از ایمان و یاد خدا باشد. ﴿لَمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ...﴾
 ۸- الگوها هر چه عزیز باشند؛ اما نباید انسان خدا را فراموش کند.
 ﴿رَسُولَ اللَّهِ أُسْوَةٌ لِّلَّذِينَ يَرْجُونَ اللَّهَ وَالْيَوْمَآءَ الْحِسَابَ﴾

﴿۲۲﴾ وَمَا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا
 و همین که مؤمنان دسته‌های لشکر دشمن را دیدند، گفتند: این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده، و خدا و رسولش راست گفتند.
 و (دیدن لشکر مهاجم) جز برایمان و تسلیم آنان نیفزود.

نکته‌ها:

□ در آیه‌ی ۱۲ خواندیم که منافقان و بیمار دلان وعده‌های پیامبر را فریب نامیدند، ولی در این آیه مؤمنان، این وعده‌ها را واقعی و صادق می‌دانند.
 □ در دو آیه قبل بیان شد که گروهی از افراد سست ایمان آرزو داشتند هنگام حمله‌ی دشمن، در مناطق دور از جبهه بودند، ولی در این آیه می‌فرماید: مؤمنان با دیدن دشمن، به ایمان و تسلیمشان در برابر خدا افزوده می‌شود.

پیام‌ها:

۱- ایمان عامل قدرت است. ﴿رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا...﴾
 ۲- منافقان، دشمنی را که حضور ندارد، حاضر می‌پندارند؛ ﴿يَحْسِبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يُذْهِبُوا﴾ ولی مؤمنان، دشمنان موجود و مهاجم را ناچیز می‌شمرند. ﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ... هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ﴾
 ۳- هجوم دشمنان متحد، برای مؤمن غیر منتظره نیست. ﴿هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ﴾

۴- سخن رسول خدا، همان سخن خداست. ﴿وَعَدْنَا اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾
 ۵- پیامبر اسلام ﷺ مسلمانان را از وقوع جنگ احزاب باخبر نموده بود. ﴿هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾
 ۶- مؤمنان، تحقق وعده‌های خدا و رسولش را حتمی می‌دانند.
 ﴿وَعَدْنَا اللَّهَ وَرَسُولَهُ - صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ﴾
 ۷- جبهه و جنگ برای مؤمن، بستر رشد و ترقی است. ﴿مَا زَادَهُمُ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا﴾
 ۸- مؤمنان، از تعداد و تشکل دشمنان نمی‌ترسند. ﴿مَا زَادَهُمُ إِلَّا إِيمَانًا﴾
 ۹- ایمان و تسلیم دارای درجات و مراتبی است. ﴿مَا زَادَهُمُ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا﴾
 ۱۰- تحقق یافتن وعده‌های خدا و رسول، بر ایمان مؤمنان می‌افزاید.
 ﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ... مَا زَادَهُمُ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا﴾

﴿۲۳﴾ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا
 از میان مؤمنان مردانی هستند که آنچه را با خداوند پیمان بسته بودند صادقانه وفا کردند (و خود را آماده‌ی جهاد نمودند)، برخی از آنان پیمانشان را عمل کردند (و به شهادت رسیدند) و بعضی دیگر در انتظار (شهادت) هستند، و هرگز عقیده و پیمان خود را تغییر ندادند.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «نَحْب» دارای معانی زیادی است ولی در این جا به معنای نذر و عهد و پیمانی است که چه بسا انجام آن منجر به مرگ یا خطر بزرگی شود.
 □ در برابر گروهی که خواهان زندگی در رفاه بودند، «یوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ

فی الاعراب^۱ گروهی در انتظار شهادتند. «و منهم من ينتظر»
 □ امام حسین علیه السلام در کربلا هنگام وداع با اصحابش و گاهی بالای سر
 شهدا این آیه را تلاوت می فرمود.^۲

پیام‌ها:

- ۱- همه‌ی اصحاب پیامبر و مؤمنان در یک درجه نیستند. ﴿من المؤمنین﴾
- ۲- نقل کمالات دیگران یکی از راه‌های تربیت است. ﴿من المؤمنین رجال...﴾
- ۳- دفاع از حق تا مرز شهادت، نشانه‌ی صداقت در ایمان است. ﴿صدقوا ما عاهدوا الله﴾
- ۴- تعهد، لازم الاجرا و عمل به آن نشانه صداقت است. ﴿صدقوا ما عاهدوا﴾
- ۵- بزرگداشت شهدا، پیام و درسی قرآنی است. ﴿فمنهم من قضی نحبه﴾
- ۶- انتظار شهادت نیز یک ارزش است. ﴿و منهم من ينتظر﴾ آمادگی برای لقای خداوند، از صفات مؤمنان است.
- ۷- باب شهادت باز است. ﴿و منهم من ينتظر﴾
- ۸- شهادت برخی مؤمنان، عامل عقب نشینی یا دلسردی دیگر مؤمنان نمی شود. (مؤمن با این‌که شهادت دوستان و عزیزان خود را می بیند، باز خود در انتظار شهادت است) ﴿و منهم من ينتظر﴾
- ۹- مؤمنان واقعی پایبند عهد و پیمان خود با خدا هستند و هیچ چیز حتی شهادت دوستان و عزیزان، روحیه آنان را تغییر نمی دهد. ﴿و ما بدلوا تبدیلاً﴾

﴿۲۴﴾ لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً

تا خداوند صادقان را به خاطر صداقتشان پاداش دهد، و منافقان را اگر بخواهد عذاب کند یا (اگر توبه کنند) لطف خود را بر آنان باز گرداند زیرا که خداوند آمرزنده‌ی مهربان است.

نکته‌ها:

□ کلمه توبه اگر با حرف «الی» بیاید، منظور توبه بندگان به درگاه خداوند است و اگر با «علی» بیاید، منظور توجّه و لطف خداوند به بندگان است. ﴿یتوب علیهم﴾

پیام‌ها:

- ۱- حوادث تلخ و سخت هدفدار است، تا استعدادها شکوفا شود و انسان با کوشش و تلاش به پاداش برسد. ﴿لیجزی﴾
- ۲- با پاداش دادن به راستگویان، دیگران را به صداقت تشویق کنیم. ﴿لیجزی الله الصادقین بصدقهم﴾
- ۳- نجات در راستگویی است. ﴿لیجزی ... بصدقهم﴾
- ۴- دریافت پاداش بر اساس صداقت در عمل است. ﴿بصدقهم﴾
- ۵- بشارت، قبل از انذار است. ﴿لیجزی - یعذب﴾
- ۶- هیچ عملی بدون پاداش نیست. (نه صدق صادقین و نه نفاق منافقین) ﴿لیجزی - یعذب﴾
- ۷- لطف خداوند، از منافقان نیز دور نیست، به شرط آنکه خود بخواهد. ﴿او یتوب علیهم﴾
- ۸- توبه پذیری خداوند، با لطف او همراه است. ﴿غفوراً رحیماً﴾

﴿۲۵﴾ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا

و خداوند کسانی را که کفر ورزیدند با دلی پراز خشم برگرداند، بدون آن که هیچ خیری (پیروزی و غنیمتی) به دست آورند، و خداوند مؤمنان را از جنگ بی نیاز ساخت (و آنان را پیروز کرد)، و خداوند، توانای شکست ناپذیر است.

نکته‌ها:

□ در جنگ احزاب، همین که حضرت علی عليه السلام «عمر بن عبدود»، پهلوان نامی عرب را که از خندق گذشت به قتل رساند، آنها حساب کار خود را کرده، باز گشتند.

پیام‌ها:

۱- از همبستگی دشمنان نهراسیم. ﴿رَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ با این که در جنگ احزاب، سه گروه مشرکان، یهودیان و منافقان علیه مسلمانان متحد شدند، ولی بدون دست‌یابی به پیروزی و غنائم سرگشته برگشتند.

۲- فراز و نشیب جنگ‌ها از تحت اراده الهی خارج نیست. ﴿رَدَّ اللَّهُ - كَفَى اللَّهُ﴾

۳- در جنگ احزاب (خندق)، امدادهای غیبی در کار بود. ﴿رَدَّ اللَّهُ - كَفَى اللَّهُ﴾

۴- گاهی باید از نگاه مخالف سخن گفت. ﴿لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا﴾ پیروزی بر اسلام و گرفتن غنائم، از دیدگاه کفار خیر بود.

۵- هدف جنگ‌های دشمن، رسیدن به پیروزی یا کسب غنائم، کشور گشایی و یا حفظ منافع خود است. ﴿لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا﴾ ولی

هدف جنگ‌های اسلامی، ﴿احدى الحسينين﴾^۱ است یعنی: یا انجام وظیفه‌ی دینی و دعوت و ارشاد ناآگاهان و رفع موانع گسترش حق و یا رسیدن به شهادت و لقای حق.

۶- سرچشمه‌ی عزت و قدرت مسلمانان، خداست. ﴿كفى الله - كان الله قويا عزيزا﴾

﴿۲۶﴾ وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِن صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا

و خداوند کسانی از اهل کتاب (یهودیان) را که از مشرکان عرب پشتیبانی می‌کردند، از برج و قلعه‌های مرتفعشان پایین کشید و در دل‌های آنان ترس و وحشت افکند، (که در نتیجه شما مسلمانان) گروهی (از آنان) را کشتید و گروهی را اسیر کردید.

﴿۲۷﴾ وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّكُمْ تَطَّوَّهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا

و سرزمین آنان و خانه‌ها و اموالشان و (نیز) زمینی را که در آن گام ننهاده بودید در اختیار شما گذاشت، و خداوند بر هر کاری تواناست.

نکته‌ها:

□ «صیاصی» جمع «صیصة» به معنای قلعه‌های محکم است و به هر وسیله‌ی دفاعی مثل شاخ گاو و شاخک‌های پای خروس نیز گفته می‌شود.

□ این آیه اشاره به غزوه‌ی بنی قریظه دارد یهود بنی قریظه در جنگ احزاب به خیال پیروزی، پیمان خود را با مسلمانان شکستند و در قالب ستون پنجم دشمن به مشرکان مکه در جنگ احزاب کمک کردند ولی با

رسوایی، شکست خوردند و تسلیم شدند.

□ در مدینه سه طایفه یهودی بودند به نام‌های: «بنی قینقاع» «بنی نضیر» و «بنی قریظه» که هر سه با مسلمانان پیمان داشتند. در سال دوم بنی قینقاع پیمان شکنی کرده، با مسلمانان جنگ نمودند و شکست خوردند و از مدینه خارج شده، به سوی شام رفتند. در سال چهارم، بنی نضیر جنگیدند و شکست خوردند و به سوی شام رفتند و خیبر و مدینه را خالی کردند. در سال پنجم بنی قریظه پیمان خود را شکستند و با مشرکان همکاری نمودند که با شکست احزاب دله‌ره‌ای بر آنان حاکم شد. مسلمانان بعد از پیروزی بر احزاب، قلعه‌های آنان را محاصره کردند و پس از ۲۵ روز آنها را از مدینه بیرون راندند و برای همیشه مدینه از پلید طوایف یهود پیمان شکن پاک شد.^۱

□ جنگ با بنی قریظه برکاتی داشت از جمله:

الف: آخرین گروه یهود برای همیشه از مدینه خارج شدند.

ب: اموال فراوانی از دشمن نصیب مسلمانان شد.

ج: جایگاه مسلمانان تثبیت و روشن شد که هر کس با آنان پیمان شکنی کند بدبخت می‌شود.

پیام‌ها:

۱- از نیروهای نفوذی و ستون پنجم دشمن نباید غافل شد. «و انزل

الذین ظاهروهم»

۲- همزیستی مسالمت‌آمیز با اهل کتاب، تا زمانی است که آنان یاور

مخالقان نباشند. «و انزل الذین ظاهروهم من اهل الکتاب»

۳- پیروزی از جانب خداوند است. «و انزل»

۴- قلعه‌های محکم و بلند دشمن، فتح شدنی است. «و انزل... من

۱. تفسیر نمونه.

صیاصیه‌م

۵- اهل کتاب یهود با آن که با مسلمانان مرز مشترک خداپرستی و ایمان به معاد داشتند ولی به حمایت مشرکان برخاستند.

«ظاهرهم من اهل الکتاب»

۶- تنها به دشمن رو در رو فکر نکنید، بلکه متوجه حامیان آنان نیز

باشید. «ظاهرهم»

۷- یکی از امدادهای غیبی خداوند در جنگ‌ها، ایجاد رعب در دل

دشمنان است. «قذف فی قلوبهم الرعب»

۸- روحیه رزمنده در شکست یا پیروزی جبهه نقش اصلی را دارد.

«فی قلوبهم الرعب... تقتلون و تأسرون»

﴿۲۸﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ إِن كُنْتُمْ تُرَدُّنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعِكُنَّ وَأُسْرِكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا

ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زینت (و زرق و

برق) آن را می‌خواهید، بیاوید تا شما را (با پرداخت مهرتان) بهره‌مند

سازم و به وجهی نیکو (بدون قهر و خشونت) رهایتان کنم.

نکته‌ها:

□ به دنبال کسب غنایم جنگی به وسیله‌ی مسلمانان، همسران پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله به توسعه‌ی زندگی رو آوردند و از آن حضرت وسایل و امکانات

رفاهی طلب کردند. رسول خدا با خواسته آنان مخالفت کرد و به مدت یک

ماه از آنان فاصله گرفت تا آیات مورد بحث نازل شد.

پیام‌ها:

۱- زندگی رهبر مسلمانان باید ساده باشد. (موقعیت دینی و

اجتماعی، برای انسان وظیفه‌ی خاصی به وجود می‌آورد). «ان

کنتن تردن الحیاة الدنيا... اَسْرَحَکِنَّ ﴿

۲- رهبر مسلمانان نباید تحت تأثیر تقاضاهای نابجای همسرش قرار گیرد. ﴿قُلْ لَازِوَاجَکَ﴾

۳- رشد درآمد بیت‌المال، نباید توقع بستگان رهبر را بالا ببرد. ﴿قُلْ لَازِوَاجَکَ﴾

۴- نه تنها رهبر جامعه اسلامی، بلکه وابستگان او نیز تحت نظر و توجه مردم قرار دارند. ﴿قُلْ لَازِوَاجَکَ﴾

۵- مسئولیت‌های الهی، فوق مسئولیت‌های خانوادگی است. (گاهی به خاطر قداست رهبری، باید از مسایل عاطفی و خانوادگی گذشت). ﴿قُلْ لَازِوَاجَکَ﴾

۶- زن آزاد است؛ می‌تواند با زندگی ساده و همراه با سعادت بماند و می‌تواند راه دیگری را انتخاب کند. ﴿ان کنتن تردن... اَسْرَحَکِنَّ﴾

۷- در برابر تقاضای نابجای همسر، نظر قطعی خود را صریح و روشن اعلام کنید. ﴿ان کنتن تردن﴾ (با قاطعیت ولی همراه با مهربانی و عدالت، توقعات بی‌جا را از بین ببرید).

۸- هنگام دسترسی به بیت‌المال و غنائم، با برخورد قاطع با خانواده و نزدیکان جلو توقع و انتظارات بی‌مورد دیگران را بگیریم. ﴿ان کنتن... فتعالین امتعکن﴾

۹- اگر زنی زندگی ساده و سالم را تحمل نکرد، با رعایت عدالت و انصاف طلاقش دهید و به ادامه‌ی زندگی مجبورش نکنید. ﴿ان کنتن... امتعکن و اَسْرَحَکِنَّ﴾

۱۰- خطر دنیاگرایی، حتی خاندان نبوت را تهدید می‌کند. ﴿ان کنتن تردن...﴾

۱۱- کامیابی از زر و زیور دنیا حرام نیست، لیکن در شأن خاندان نبوت نیست. ﴿فتعالین امتعکن﴾

۱۲- اگر مجبور به طلاق شدید، راه جدایی را با نیکویی و عدالت طی کنید. ﴿اَسْرَحَکِنَّ سَراحاً جَمیلاً﴾

﴿۲۹﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ تُرَدْنَ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا

و اگر خدا و رسولش و سرای آخرت را می‌خواهید، پس (بدانید که) قطعاً خداوند برای نیکوکاران از شما پاداش بزرگی را آماده کرده است.

پیام‌ها:

۱- دنیاطلبی و آخرت‌طلبی با هم جمع نمی‌شود. ﴿تردن الحیاة الدنيا... تردن الله...﴾ البته لذت بردن و استفاده حلال از نعمت‌ها، منافاتی با آخرت خواهی ندارد.

۲- انسان باید میان دلبستگی به دنیای فانی و آخرت باقی، باید یکی را انتخاب کند. ﴿وان کنتن...﴾

۳- قناعت و زهد و ساده زیستی به تنهایی عامل نجات نیست، عمل نیک هم لازم است. ﴿تردن الله و رسوله والذار الآخرة... للمحسنات منکن﴾

۴- وعده‌های الهی را قطعی بگیریم. ﴿اعد﴾

۵- خداوند ساده زیستی را برای خانواده رهبران دینی، امری نیک و حسن می‌داند. ﴿اعد للمحسنات منکن﴾

۶- همسر پیامبر بودن کمال نیست، نیکوکار بودن لازم است. ﴿للمحسنات منکن﴾

۷- همه‌ی زنان پیامبر یکسان نبودند. ﴿للمحسنات منکن﴾

۸- کسانی که از دنیای قلیل بگذرند، به اجر عظیم خواهند رسید. ﴿اجراً عظیماً﴾

﴿۳۰﴾ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنِ يَاْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيَّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

ای همسران پیامبر! هر کس از شما کار زشت (و گناهی) آشکار مرتکب شود، عذابش دو چندان خواهد بود و این (کار) برای خدا آسان است.

نکته‌ها:

■ آیاتی که با زنان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سخن می‌گوید، از طریق مقام رسالت است نه آن که مستقیماً به خود آنان خطاب و وحی شود، بر خلاف حضرت مریم که به خودش خطاب می‌شد. ﴿یا مریم﴾^۱

■ گناهان دو دسته‌اند: کبیره و صغیره. سرچشمه‌ی این تقسیم آیه مبارکه‌ی ﴿إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكَرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ﴾^۲ است، یعنی اگر شما از گناهان بزرگ دوری کنید ما سئئات و گناهان کوچک شما را می‌بخشیم. لیکن در مواردی گناه صغیره حکم گناه کبیره پیدا می‌کند، نظیر گناه در زمان خاص مانند ماه رمضان که جرم و مجازات آن بیشتر است. یا گناه در مکان خاص، تکرار گناه و اصرار بر آن، گناه همراه با شادی، گناه آشکارا و گناه افراد برجسته و الگو نظیر همسران پیامبر. به هر حال مسایلی جنبی می‌تواند در گناه و کیفر آن اثر بگذارد.

■ در روایات آمده است که گناه بزرگان، حساب دیگری دارد، حتی اگر از انبیا یک «ترک اولی» سر زند تنبیه می‌شوند؛ در حدیثی معروف آمده است: «يُعْفَرُ لِلْجَاهِلِ سَبْعُونَ ذَنْبًا قَبْلَ أَنْ يُعْفَرَ لِلْعَالِمِ ذَنْبٌ وَاحِدٌ»^۳ هفتاد گناه جاهل بخشیده می‌شود، قبل از آن که یک گناه عالم بخشیده شود.

۱. آل عمران، ۴۲ - ۴۳.

۲. نساء، ۳۱.

۳. کافی، ج ۱، ص ۴۷.

پیام‌ها:

۱- در کیفر و پاداش، حَسَب و نسب اثری ندارد و هر متخلفی باید مجازات شود. ﴿یا نساء النبی...﴾

۲- همسری پیامبر، مستلزم عصمت نیست. ﴿من یاْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ﴾ (آری در خانه پیامبر بودن انسان را بیمه نمی‌کند، این مکتب است که انسان را بیمه می‌کند).

۳- حساب خلاف‌های علنی، از گناهان پنهان جداست. ﴿مبینه﴾

۴- عمل زشت به خودی خود، کیفر به دنبال دارد. ﴿یُضَاعَفْ﴾ و نفرمود: «نضاعف»

۵- شدت و ضعف کیفر و پاداش بر اساس آثار فردی و اجتماعی عمل است. ﴿نساء النبی... ضعیفین﴾

۶- کسانی که چهره‌ی دینی و اجتماعی دارند و کارشان برای دیگران سرمشق است، اگر گناه کنند، کیفرشان بیش از دیگران است. ﴿نساء النبی... ضعیفین﴾

۷- خانواده و بستگان مسئولان نظام اسلامی باید بدانند که اگر مرتکب خلافی شدند، نه تنها آزاد نمی‌شوند، بلکه چند برابر دیگران مجازات می‌بینند. ﴿یا نساء النبی... العذاب ضعیفین﴾

۸- اگر کیفر بستگان متخلف یک مسئول چند برابر است، کیفر خود مسئول متخلف چه میزان است؟ ﴿نساء النبی... العذاب ضعیفین﴾ (قرآن در مورد کیفر تخلف خود پیامبر می‌فرماید: ﴿لَوْ تَقَوَّلَ بَعْضُ الْاِقَاوِيلِ... لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ﴾^۱ اگر سخن ناروایی را به ما نسبت دهد، ر های گردن او را قطع می‌کنیم.

۹- کیفر متخلفان بر خداوند آسان است. ﴿علی اللّٰه یسیر﴾

۱. حاقّه، ۴۴ - ۴۶.

﴿۳۱﴾ وَمَنْ يَّقْتُ مِنْكُمْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحاً نُؤْتَهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقاً كَرِيماً

و هر کس از شما نیز که در برابر خدا و رسولش فروتنی کند و عمل صالح انجام دهد، پاداش او را دو بار خواهیم داد و برایش روزی کریمانه و پر ارزشی فراهم کرده‌ایم.

نکته‌ها:

- «قنوت» به معنای اطاعت همراه با خضوع و ادب و کرنش است.
- شخصی به امام سجاده علیه السلام عرض کرد: «انکم اهل بیت مغفور لکم» - شما اهل بیت پیامبر، بخشیده شده‌اید. امام علیه السلام خشمگین شد و فرمود: «در مورد ما همان آیاتی جریان دارد که درباره‌ی زنان پیامبر جاری است؛ اگر ما گناه کنیم، مجازاتمان دو برابر و اگر نیکوکار باشیم پاداشمان دو برابر است، آن گاه حضرت این آیه و آیه‌ی قبل را تلاوت فرمود»^۱.
- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ضربت علی علیه السلام (و از پای در آوردن عمرو بن عبدود) در روز نبرد خندق، از عبادت جن و انس برتر است. «ضربة علی» یوم الخندق افضل من عبادة الثقلین^۲.

پیام‌ها:

- ۱- تشویق و تهدید در کنار هم مؤثر است. ﴿من یأت منکم بفاحشة - و من یقنت﴾
- ۲- اطاعتی ارزش دارد که بر اساس معرفت و عشق، و همراه با فروتنی باشد. ﴿یقنت... لله و رسوله﴾
- ۳- هم باید دستورهای خدا را اطاعت کنیم و هم دستورهای رسول خدا را. ﴿یقنت... لله و رسوله﴾

۱- تفسیر کنزالدقائق.

۲- الغدیر، ج ۷، ص ۲۰۶.

۴- انجام یک عمل صالح کافی نیست، استمرار آن لازم است. ﴿تعمل صالحاً﴾

۵- همسر پیامبر بودن کافی نیست، عمل لازم است. ﴿تعمل صالحاً﴾
 ۶- کوچکی یا بزرگی عمل مهم نیست، صالح بودن آن شرط است. ﴿صالحاً﴾ نکره آمده است.

۷- خداوند برای تشویق ما بندگان، پاداش را به خود نسبت می‌دهد. ﴿توتها - اعتدنا﴾

۸- اجر و پاداش بر اساس موقعیت و آثار فردی و اجتماعی عمل، متفاوت می‌شود. ﴿توتها اجرا مرتین﴾

﴿۳۲﴾ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا

ای همسران پیامبر! شما مثل یکی از زنان (عادی) نیستید. اگر تقوا پیشه‌اید پس به نرمی و کرشمه سخن نگویند تا (مبادا) آن که در دلش بیماری است طمعی پیدا کند، و نیکو و شایسته سخن بگویند.

پیام‌ها:

- ۱- حساب خانواده‌ی رهبران دینی از سایرین جداست و باید بیش از دیگران مراقب رفتار خود باشند. ﴿یا نساء النبی لستن کاحد من النساء﴾ (موقعیت اجتماعی، محدودیت آور است).
- ۲- وقتی به زنان پیامبر که بیشترشان پیر و سالخورده بوده و زندگی ساده‌ای داشتند هشدار داده می‌شود که با کرشمه و ناز سخن نگویند، زنان جوان و زیبا باید حساب کار خود را بکنند. ﴿یا نساء النبی... فلا تخضعن...﴾

۳- با کرشمه سخن گفتن زن، بی تقوایی است. ﴿إِنَّ اتَّقِيَتْنَ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ﴾

۴- قرآن برای سخن گفتن نیز آدابی بیان می‌کند. ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ﴾
 ۵- تنها طمع بیمار دلان، برای آنکه زن خود را کنترل کند کافی است، گرچه تصمیم جدی نداشته باشند. ﴿لَا تَخْضَعْنَ... فَيَطْمَعُ﴾
 ۶- افراد آلوده، از مقدّسات نیز دست طمع بر نمی‌دارند. ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ... فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ﴾

۷- نباید گفتار و رفتار زن تحریک کننده باشد. ﴿فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ﴾

۸- در جامعه‌ی نبوی نیز همه‌ی افراد سالم نیستند. ﴿فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ﴾

۹- نباید کاری کنیم که حتی یک نفر دچار گناه و فساد شود. ﴿الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ﴾ و نفرمود ﴿الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ﴾

۱۰- چشم چرانی و هوسبازی یک بیماری روحی است. ﴿فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ﴾

۱۱- گرچه کسی که بیمار دل است مشکل دارد، ﴿فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ﴾ اما من نباید کاری کنم که او را تحریک کند. ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ... فَيَطْمَعُ﴾

۱۲- طوری سخن بگویند که هم محتوا خوب باشد ﴿قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ و هم شیوه، سالم باشد. ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ﴾

چند اصل مهم در نهی از منکر (با توجه به آیه)

۱. از موقعیت خانوادگی افراد کمک بگیریم. ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ﴾
۲. از موقعیت اجتماعی افراد استفاده کنیم. ﴿لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ﴾
۳. القابی را به کار ببریم که محبوب همه است. ﴿إِنَّ اتَّقِيَتْنَ﴾
۴. از ساده‌ترین کار شروع کنیم. ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ﴾

۵. از بزرگان و خودی‌ها شروع کنیم. ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ﴾

۶. از سرچشمه‌ی گناهان نهی کنیم. ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعُ﴾

۷. از رفتارها و انحرافات کوچک غافل نباشیم. ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ﴾

۸. عوارض و پیامدهای فساد و انحراف را بیان کنیم. ﴿فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ﴾

۹. امر به معروف و نهی از منکر در کنار هم باشد. ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ - قَلْنَ﴾

۱۰. حتی برای جلوگیری از یک منکر از یک فرد اقدام کنیم. ﴿فَيَطْمَعُ الَّذِي﴾ نفرمود: «فَيَطْمَعُ الَّذِي»

۱۱. با هوس و آرزوی گناه هم باید مبارزه کرد تا چه رسد به خود گناه. ﴿فَيَطْمَعُ﴾

﴿۳۳﴾ وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

و در خانه‌های خود قرار گیرید و همچون دوران جاهلیت نخستین، با خودآرایی ظاهر نشوید (و زینت‌های خود را آشکار نکنید)، و نماز را بر پا دارید و زکات بدهید، و از خدا و رسولش اطاعت کنید؛ همانا خداوند اراده کرده است که پلیدی (گناه) را از شما اهل بیت (پیامبر) دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

نکته‌ها:

- «قَرْنَ» از «وقار» یا «قرار» است، و نتیجه‌ی هر دو معنا یکی است. یعنی برای خودنمایی از خانه‌های خود خارج نشوید.
- «تَبَرَّجْنَ» از «بُرَج» به معنای خودنمایی است، همان گونه که برج در میان ساختمان‌های دیگر جلوه‌ی خاصی دارد.
- جاهلیتِ اُولی نشان دهنده‌ی ظهور جاهلیتِ اُخری است که ما امروز

شاهد آنیم. در حدیث نیز آمده است: «ستكون الجاهلیة الاخری»^۱ به زودی جاهلیت دیگری فرا می‌رسد.

اگر در جاهلیت آن روز دختر را زنده به گور می‌کردند، امروز با سقط جنین، هم دختر را نابود می‌کنند، هم پسر را.

اگر در جاهلیت آن روز قتل و آدم‌کشی وجود داشت، امروز در جنگ‌های بزرگ و جهانی کشتارهای میلیونی انجام می‌گیرد.

جاهلیت آن روز مدرسه نبود و جنایت انجام می‌گرفت، امروز با وجود هزاران دانشگاه، مهم‌ترین حقوق انسان‌ها پایمال می‌شود.

در جاهلیت آن روز فساد و زنا جرم بود؛ اما امروز در مترقی‌ترین کشورهای جهان همجنس‌بازی قانونی است.^۲

مطالبی درباره‌ی آیه‌ی تطهیر

﴿أَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾

* کلمه‌ی «أَمَّا» نشانه‌ی این است که آیه‌ی شریفه درباره‌ی یک موهبت استثنایی در مورد اهل بیت علیهم‌السلام سخن می‌گوید.

* مراد از «یُرِيدُ»، اراده‌ی تکوینی است، زیرا اراده‌ی تشریحی خداوند، پاکی همه‌ی مردم است نه تنها اهل بیت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.

* مراد از «رِجْسَ» هر گونه ناپاکی ظاهری و باطنی است.^۳

* مراد از «اهل‌البيت» همه‌ی خاندان پیامبر نیست، بلکه برخی افراد آن است که نام آنان در روایات شیعه و سنی آمده است. این گروه عبارتند از:

علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام.

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. درباره‌ی جاهلیت معاصر، کتابی به نام «جاهلیت قرن بیستم» از سید قطب و کتاب دیگری به نام «سیمای تمدن غرب» از سید مجتبی موسوی لاری نوشته شده که تاکنون به چند زبان ترجمه شده است.

۳. تفسیر برهان.

سؤال: دلیل این انحصار چیست؟ و چرا این بخش از آیه درباره‌ی زنان پیامبر یا تمام خاندان آن حضرت نیست؟

پاسخ: ۱. روایاتی از خود همسران پیامبر حتی از عایشه و ام سلمه نقل شده که آنان از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسیدند: آیا ما هم جزء اهل بیت هستیم؟ پیامبر فرمود: خیر.

۲. در روایات متعددی می‌خوانیم: پیامبر عبایی بر سر این پنج نفر کشید (که یکی از آنان خود حضرت بود) و فرمود: این‌ها اهل بیت من هستند و اجازه‌ی ورود دیگران را نداد.

۳. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای این که اختصاص اهل بیت را به پنج نفر ثابت کند، مدت شش ماه (و به گفته‌ی بعضی روایات هشت یا نه ماه) به هنگام نماز صبح از کنار خانه‌ی فاطمه علیها‌السلام می‌گذشت و می‌فرمود: «الصلاة یا اهل‌البيت أما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيرا» در کتاب احقاق الحق بیش از هفتاد حدیث از منابع معروف اهل سنت درباره اختصاص آیه شریفه به پنج نفر ذکر شده و در کتاب شواهد التنزیل که از کتب معروف اهل سنت است بیش از یکصد و سی روایت در همین زمینه آمده است.^۱

به هر حال این آیه شامل زنان پیامبر نمی‌شود زیرا:

آنها گاهی مرتکب گناه می‌شدند. در سوره‌ی تحریم می‌خوانیم: پیامبر رازی را به بعضی از همسرانش فرمودند و او امانت داری نکرد و به دیگری گفت. قرآن این عمل را گناه نامیده، فرمود: ﴿ان تتوبا إلى الله فقد صغت قلوبكما﴾^۲

عایشه که همسر پیامبر بود، جنگ جمل را علیه حضرت علی علیه‌السلام به راه انداخت و سپس پشیمان شد، با آنکه در این جنگ عده بسیاری از

۱. تفاسیر نورالثقلین و نمونه. ۲. تحریم، ۴.

مسلمانان کشته شدند؟

چند سؤال

۱. آیا «یَطْهَرُكُمْ» به معنای آن نیست که اهل بیت علیهم السلام آلودگی داشته‌اند و خداوند آنان را تطهیر کرده است؟

پاسخ: شرط تطهیر آلودگی نیست، زیرا قرآن درباره‌ی حوریان بهشتی کلمه «مَطْهَرَةٌ» را به کار برده در حالی که هیچ گونه آلودگی ندارند. به عبارت دیگر «یَطْهَرُكُمْ» به معنای پاک نگه‌داشتن است نه پاک کردن از آلودگی قبلی.

۲. اگر اهل بیت تنها پنج نفرند، چرا این آیه در میان جملاتی قرار گرفته که مربوط به زنان پیامبر است؟

پاسخ: الف: جمله‌ی «أَمَّا يَرِيدُ اللَّهُ...» به صورت جداگانه نازل شده ولی هنگام جمع آوری قرآن در این جا قرار گرفته است.

ب: به گفته‌ی تفسیر مجمع البیان، رسم فصیحان و شاعران و ادیبان عرب این بوده که در لابلای مطالب معمولی حرف جدید و مهمی مطرح می‌کنند تا تأثیرش بیشتر باشد. چنانکه در میان اخبار صدا و سیما، اگر گوینده یک مرتبه بگوید: به خبری که هم اکنون به دستم رسید توجه فرمایید، این گونه سخن گفتن یک شوک روانی و تبلیغاتی ایجاد می‌کند. نظیر این آیه را در آیه‌ی سوّم سوره‌ی مائده خواندیم که مطلب مربوط به ولایت و امامت و کمال دین و تمام نعمت و یأس کفار و رضای الهی، در کنار احکام مربوط به گوشت خوک و خون، نازل شده و این گونه جا سازی‌ها رمز حفظ قرآن از دستبرد ناهلان است. درست همان گونه که گاهی زنان هنگام خروج از خانه زیور آلات خود را در لابلای پنبه‌های متکا قرار می‌دهند. با این که طلا و پنبه رابطه‌ای ندارند ولی برای محفوظ ماندن از دستبرد ناهلان این کار انجام می‌گیرد.

ج: در میان سفارش‌هایی که به زنان پیامبر می‌کند، یک مرتبه می‌فرماید: خدا اراده‌ی مخصوص بر عصمت اهل بیت دارد، یعنی ای زنان پیامبر! شما در خانه‌ای هستید که معصومین علیهم السلام هستند و حتماً باید تقوا را بیشتر مراعات کنید.

د: در مورد اهل بیت ضمیر جمع مذکر به کار رفته که نشان غالب بودن مردان است، به خلاف جملات مربوط به زنان پیامبر که در آنها از ضمیر جمع مؤنث استفاده شده است. «بِیو تَكُنَّ، اَقْنِ - عَنكُمْ، یَطْهَرُكُمْ»
 □ گرچه این آیه خطاب به زنان پیامبر است ولی قطعاً مراد همه‌ی زنان مسلمان هستند که باید به این دستورها عمل کنند.

پیام‌ها:

۱- جایگاه زن یا خانه است یا بیرون خانه بدون خود نمایی. «قرن - لا تَبْرَجْنَ»

۲- ارتجاع و عقب گرد به دوران جاهلی ممنوع است. «لا تَبْرَجْنَ تَبْرَجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْاُولَى»

۳- خودنمایی نشانه‌ی تمدن نیست، نشانه‌ی جاهلیت است. «تَبْرَجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْاُولَى»

۴- نماز و زکات دو عنصر ناگسستنی و متلازم یکدیگرند. «الصَّلَاةُ وَ... الزَّكَاةُ»

۵- اطاعت از رسول در کنار اطاعت از خدا واجب است. «أَطِيعُوا اللَّهَ»

۶- گناه، پلیدی روح است و خاندان نبوت باید از این پلیدی دور باشند. «لِيَذْهَبَ عَنكُمْ الرَّجْسُ أَهْلَ الْبَيْتِ»

﴿۳۴﴾ وَادْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ
إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا

و آنچه که از آیات خدا و حکمت در خانه‌هایتان تلاوت می‌شود یاد کنید؛ همانا خداوند (نسبت به شما) دارای لطف و (از کارهای شما) آگاه است.

نکته‌ها:

□ برای کلمه‌ی «ذکر» دو معنا بیان کرده‌اند: یکی به خاطر سپردن و دیگری به زبان آوردن. بنابراین «و اذکرن» یا به این معناست که ای زنان پیامبر! به خاطر داشته باشید و فراموش نکنید که وحی الهی در خانه شما نازل می‌شود و یا به این معناست که آنچه از کتاب خدا در خانه شما تلاوت می‌شود و شما فرا می‌گیرید، برای سایرین بیان کنید.

پیام‌ها:

- ۱- تلاوت قرآن در منزل و تکرار آن توسط اهل خانه، سفارش قرآن است. ﴿واذکرن ما یتلی... من آیات الله﴾
- ۲- به جای فرهنگ ابتدال فرهنگ الهی را دنبال کنید. ﴿لا تبرجن... واذکرن﴾
- ۳- قرار گرفتن زن در خانه و پرهیز از جلوه‌گری، به معنای عقب ماندن از علم و حکمت نیست. ﴿قرن... لا تبرجن... واذکرن... آیات الله و الحکمة﴾
- ۴- خانواده‌ی نبوت در انجام اعمال نیک سزاوارترند ﴿فی بیوتکن﴾ (زندگی در خانه‌ی وحی تکلیف آور است).
- ۵- استقرار زن در خانه، نهی از خودنمایی، انجام نماز و زکات و ذکر آیات، ناشی از لطف خداوند بر زنان و آگاهی از مصالح و مفاسد است. ﴿لطیفاً خبیراً﴾

﴿۳۵﴾ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْثَّقَاتِ وَالْثَقَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

همانا مردان مسلمان و زنان مسلمان، و مردان با ایمان و زنان با ایمان، و مردان مطیع خدا و زنان مطیع خدا، و مردان راستگو و زنان راستگو، و مردان شکیبا و زنان شکیبا، و مردان فروتن و زنان فروتن، و مردان انفاق‌گر و زنان انفاق‌گر، و مردان روزه دار و زنان روزه دار، و مردان پاکدامن و زنان پاکدامن، و مردانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند و زنانی که بسیار به یاد خدا هستند، خداوند برای (همه‌ی) آنان آمرزش و پاداشی گرانقدر و بزرگ آماده کرده است.

نکته‌ها:

- به دنبال دستورهایی که برای همسران پیامبر اکرم ﷺ گفته شد، این آیه ده کمال برای عموم زنان و مردان در مسایل اعتقادی، اخلاقی و عملی، بر شمرده است.
- زمانی ارزش این آیه روشن می‌شود که به تبعیضاتی که عرب و عجم میان زن و مرد قائل بودند بنگریم و تاریخ دلخراش زن را مطالعه کنیم.
- تفاوت میان زن و مرد در جسم است. روح، زن و مرد ندارد و همه‌ی کمالات بشری مربوط به روح اوست نه جسم او. لذا همه کمالاتی که در این آیه آمده، به صورت یکسان میان مرد و زن مطرح شده است.

پیام‌ها:

- ۱- انسان زمانی کامل می‌شود که همه‌ی کمالات را در خود داشته باشد نه فقط بعضی را. ﴿انّ المسلمین...﴾
- ۲- نشانه‌ی جامعیت اسلام آن است که کمال را در همه‌ی ابعاد اعتقادی، اخلاقی، عملی، فردی و اجتماعی انسان مطرح می‌کند. ﴿انّ المسلمین...﴾
- ۳- با تجلیل از خوبان، دیگران را به انجام خوبی‌ها تشویق کنیم. ﴿انّ المسلمین...﴾
- ۴- رشد انسان، مرحله‌ای و گام به گام است. (ابتدا اسلام با زبان، سپس ایمان با دل، سپس اطاعت، صداقت، صبر و... ﴿انّ المسلمین...﴾
- ۵- انسان کامل، علاوه بر اقرار به زبان (اسلام) و باور قلبی (ایمان)، باید شکم و شهوت و زبان خود را کنترل کند.
 - * کنترل شکم با روزه. ﴿الصائمین﴾
 - * کنترل زبان با صداقت. ﴿الصادقین﴾
 - * کنترل شهوت با دوری از حرام. ﴿والحافظین فروجهم﴾
 - * مبارزه با غرور، با داشتن تواضع. ﴿القاتنین﴾
 - * غفلت زدایی با ذکر و یاد خدا. ﴿والذاکرین﴾
 - * مقاومت در برابر نیش‌ها و نوش‌ها با نیروی صبر. ﴿والصابرین﴾
 - * غافل نماندن از محرومان با انفاق. ﴿والمتصدّقین﴾
- ۶- اسلام هم به کمیت توجه دارد، هم به کیفیت. (در مورد مقدار می‌فرماید: ﴿والذاکرین الله کثیرا﴾ و در مورد کیفیت می‌فرماید: ﴿والقاتنین﴾ که اطاعت همراه با فروتنی است.)
- ۷- زن، حق مالکیت و بخشش مالی دارد. ﴿المتصدّقین والمتصدّقات﴾
- ۸- همه‌ی توفیقات خود را از خدا بدانیم. (ذکر خدا در پایان

کمالات آمده است.) ﴿والذاکرین الله کثیرا﴾

- ۹- زن و مرد، در رشد کمالات معنوی و انسانی و دریافت پاداش یکسانند. ﴿انّ المسلمین والمسلّمات... اعدّ الله لهم﴾
- ۱۰- عمل نیک، کلید بخشش الهی است. ﴿اعدّ الله لهم مغفرة﴾
- ۱۱- ابتدا بخشش الهی، سپس دریافت پاداش الهی. ﴿مغفرة و اجراً عظیماً﴾

﴿۳۶﴾ وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍ اِذَا قَضَىٰ اللهُ وَ رَسُوْلُهُ اَمْرًا اَنْ يَكُوْنَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ اَمْرِهِمْ وَ مَنْ يَعْصِ اللهَ وَ رَسُوْلَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا

و هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارند هنگامی که خدا و رسولش امری را مقرر کنند، از سوی خود امر دیگری را اختیار کنند و هر کس خدا و رسولش را نافرمانی نماید، پس بدون شک به گمراهی آشکاری گرفتار شده است.

نکته‌ها:

- اگر مسلمانان تسلیم این آیه بودند، پس از آن که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غدیر خم به فرمان خداوند صلی الله علیه و آله را به جانشینی خود و رهبری امت اسلام معرفی کرد و فرمود: «من كنت مولاة فهذا علی مولاة» دیگری را بر علی صلی الله علیه و آله ترجیح نمی‌دادند.
- این آیه زمینه ساز آیه‌ی بعد است که به پیامبر می‌فرماید: تو باید سنت‌های غلط را بشکنی و مردم حق ندارند در برابر خواست خداوند اعمال سلیقه کنند.
- این که آیه‌ی شریفه می‌فرماید: انسان در برابر فرمان خدا و رسول اختیاری ندارد، نباید برای کسی مایه تعجب باشد زیرا این کار، درست مانند این است که پزشک با قاطعیت به بیمار خود بگوید: تو حق نداری

غیر از آنچه من دستور داده‌ام غذا یا داروی مصرف کنی. خداوند نیز ما را از انتخاب آزاد، طبق میل شخصی در برابر فرامین الهی منع کرده است، زیرا او راه سعادت ما را بهتر از ما می‌داند.

در روایت می‌خوانیم که رسول خدا ﷺ فرمود: «یا عباد الله انتم کالمرضی و رب العالمین کالطیب... ألا فسلموا لله امره تکنونوا من الفائزین»^۱ ای بندگان خدا! شما همچون بیمار و خدا مانند طیب است، مصلحت مریض در نسخه طیب است نه آنچه بیمار تمایل دارد، پس تسلیم امر خدا باشید تا رستگار شوید.

□ در نظام حکومت دینی، خدا محوری بر دموکراسی و مردم‌سالاری حاکم است، زیرا نظر مردم مادامی ارزش دارد که مخالف حکم خدا نباشد.

پیام‌ها:

۱- سن و سواد و نژاد و قدرت و ثروت و شهرت و قبیله و طرفدار و سازمان‌های بین‌المللی، هیچکدام سبب ایجاد حق در برابر قانون الهی نمی‌شود. ﴿ما کان لمؤمن ولا مؤمنة﴾

۲- نشانه‌ی ایمان، تعبد در برابر خدا و رسول است. ﴿ما کان لمؤمن ولا مؤمنة...﴾

۳- در تسلیم و تعبد، زن و مرد تفاوتی ندارند. ﴿لمؤمن ولا مؤمنة﴾

۴- هر کس در برابر قانون خدا و سنت پیامبر، قانونی بیاورد، در ایمان خود شک کند. ﴿ما کان لمؤمن ولا مؤمنة﴾

۵- دستورهای پیامبر اکرم ﷺ، همچون دستورهای خداوند واجب الاجراست. ﴿اذا قضی الله ورسوله﴾

۶- خدا و رسول بر امور مردم ولایت کامل دارند. ﴿قضی الله ورسوله امرأ﴾

۱. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۵۴۵.

۷- اجتهاد در برابر نص، ممنوع است. (آن جا که حکم الهی روشن

است، هیچ کس حق اظهار نظر ندارد.) ﴿ما کان - لهم الخیرة﴾

۸- آزادی انسان در چارچوب قوانین الهی است. ﴿ما کان - لهم

الخیرة﴾

۹- عقل باید تابع وحی و سلیقه باید تابع وظیفه باشد. ﴿ما کان - لهم

الخیرة﴾

۱۰- هر انتخاب و نظریه‌ای که مخالف قانون و قضاوت خدا و

رسول باشد، معصیت و انحراف آشکار است. ﴿و من یعص الله ...

ضلالاً مبیناً﴾

﴿۳۷﴾ وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ

عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ

وَتُخَشِي النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا

وَطَرًا زَوْجَهَا لَهَا لَكِنِّي لَا يَكُونُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي

أَزْوَاجٍ أَدْعِيَاءَهُمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا

و (به یاد آر) زمانی که به (زید بن حارثه)، کسی که خداوند بر او

نعمت (اسلام و ایمان) داده بود و تو (نیز) به او نعمت (آزادی)

داده بودی می‌گفتی: همسرت را نگاه دار (و او را طلاق نده) و از

خدا پروا کن و در دلت چیزی را پنهان می‌داشتی که خداوند آن

را آشکار می‌کند و از مردم می‌ترسیدی در حالی که خداوند

سزاوارتر است که از او بترسی. پس چون دوران کامیابی زید از

همسرش پایان یافت (و از او جدا شد)، ما او را به همسری تو در

آوردیم تا در مورد ازدواج مؤمنان با زنان پسر خوانده‌هایشان

هنگامی که طلاق گیرند مشکلی نباشد، و فرمان خداوند انجام

شدنی است.

نکته‌ها:

□ «أَدْعَاء» جمع «دعی» به معنای پسر خوانده است. «وَطَرٌ» به معنای نیاز و حاجت است.

□ به گفته‌ی اکثر مفسران و مورخان، این آیه مربوط به زید بن حارثه است. او برده‌ای بود که خدیجه به پیامبر اسلام بخشید و حضرت آزادش نمود. قبیله‌ی زید او را از خود راندند و پیامبر زید را فرزند خوانده‌ی خود قرار داد. بعد از ظهور اسلام، زید به آیین محمد ﷺ گروید و از مسلمانان ممتاز و فرمانده لشکر در جنگ موته شد و در همان جنگ به شهادت رسید.

پیامبر از دختر عمه‌اش زینب - که زنی سرشناس و از نوه‌های عبدالمطلب بود - برای زید خواستگاری کرد. در آغاز، زینب خیال کرد حضرت او را برای خودش خواستگاری می‌کند. اما بعد که فهمید برای زید است ناراحت شد، زیرا تا آن زمان هیچ زن آزادی (تا چه رسد به زنان سرشناس) همسر برده نمی‌شد. (گرچه برده‌ای آزاد و پسرخوانده پیامبر و از مسلمانان ممتاز باشد) پس از ازدواج، ناسازگاری بین آنان آغاز شد و زید تصمیم گرفت زینب را طلاق دهد. بارها نزد پیامبر رفت ولی آن حضرت به او می‌فرمود: همسرت را نگاه دار و طلاق نده، «امسك عليك زوجك». به هر حال زید او را طلاق داد و دو ضربه‌ی روحی و اجتماعی بر زینب وارد شد، یکی همسر زید شدن که جامعه‌ی آن روز این کار را نمی‌پسندید، دوم طلاق گرفتن.

□ پیامبر اکرم ﷺ به امر خداوند مأمور شد تا دو سنت جاهلی را بشکند. الف: گرفتن همسر پسر خوانده که در جاهلیت مانند گرفتن همسر فرزند ناروا بود.

ب: گرفتن همسر برده‌ی خود که این هم در آن زمان، زشت و ناروا بود.

□ پیامبر اکرم زینب را به ازدواج خود در آورد و به مردم اطعامی داد که برای هیچ یک از همسران دیگرش نداد. چون در این آیه جمله‌ی «زَوْجًا كَهَا» آمده، یعنی ما زینب را به ازدواج تو در آوردیم تا عادات و رسوم جاهلی را با

عمل تو بشکنیم؛ زینب نیز بر سایر همسران پیامبر مباحات می‌کرد که ازدواج شما به خواست پیامبر اکرم بوده ولی ازدواج من به فرمان خداوند متعال بوده است.

□ سؤال: مراد از جمله‌ی «تُحْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ» که خداوند به پیامبر اکرم می‌فرماید: تو در دل، مسأله‌ای را پنهان داشتی که خدا آن را آشکار می‌کند؛ چیست؟

پاسخ: امام رضا علیه السلام در پاسخ سؤالات مأمون پیرامون عصمت انبیا فرمود: خداوند نام همسران پیامبر را به آن حضرت آموخته بود و در میان آنان نام زینب دختر جحش نیز بود؛ حضرت دید او همسر زید است و چگونه زن زید همسر او خواهد شد؟ این معنا در دل حضرت بود که با حکم خداوند به ازدواج پیامبر با زینب، حکمت آن آشکار شد.^۱ بنابراین پیامبر هرگز کاری خلاف عصمت و مقام نبوت انجام نداده و از قبل علاقه‌ای به هیچ زنی نداشت تا چه رسد به همسر زید، پسرخوانده خود! نعوذ بالله.

□ اوامر دو گونه است: مولوی، که باید عمل نمود و ارشادی که عمل کردنش به سود انسان است. در این جا امر پیامبر اکرم، که به زید فرمود: «امسك عليك زوجك» همسرت را نگاه دار، ارشادی بود وگرنه کسی که خداوند با جمله‌ی «انعم الله عليه» از او ستایش کرد، خلاف فرمان حضرت عمل نمی‌کرد. در آیه‌ی قبل نیز خواندیم: «و ما كان لمؤمن ولا مؤمنة اذا قضی الله و رسوله امرا ان یکون لهم الخیرة»

□ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تصمیم و رغبتی برای ازدواج با زینب نداشت، لذا سفارش او به زید، حفظ همسرش بوده نه طلاق او. «امسك عليك زوجك... زَوْجًا كَهَا»

□ با توجه به دو آیه‌ی بعد که می‌فرماید: مبلغان واقعی از هیچ کس جز خدا

۱. تفاسیر المیزان و نورالثقلین؛ عیون الاخبار، ج ۱، ص ۲۸۱.

نمی ترسند، ﴿وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ﴾ مراد از ترس پیامبر در این آیه ﴿وَتَخْشَى النَّاسَ﴾، ترس از جوسازی‌هایی بود که به اهداف حضرت ضربه می‌زد زیرا ممکن بود مردم بگویند: پیامبر با همسر یک برده یا با همسر فرزند خوانده‌اش ازدواج کرده است.

پیام‌ها:

- ۱- انبیا، مرجع رسیدگی به مسایل مردم بودند. (زید بن حارثه بارها طلاق همسرش را به حضرت اعلام کرد ولی پیامبر همواره می‌فرمود: صبر کن.) ﴿وَإِذْ تَقُولُ﴾
- ۲- خدا و رسول، ولی نعمت ما هستند. ﴿إِنْعَمَ اللَّهُ - أَنْعَمْتُ﴾
- ۳- در بیان نعمت‌ها، ابتدا نعمت‌های معنوی و الهی را نام ببرید، سپس نعمت‌های مادی و دنیوی، ﴿إِنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ﴾؛ که مراد هدایت زید و اسلام آوردن اوست، ﴿أَنْعَمْتُ عَلَيْهِ﴾؛ که مراد آزاد کردن زید از بردگی است.
- ۴- اسلام و آزادی دو نعمت بزرگ است. ﴿إِنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ﴾؛ (توفیق مسلمان شدن. ﴿أَنْعَمْتُ عَلَيْهِ﴾؛ (آزاد کردن برده)
- ۵- اگر خواستید به جای نام، صفتی از کسی ذکر کنید، بهترین صفاتش را نام ببرید. ﴿لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتُ عَلَيْهِ﴾
- ۶- هرگاه همسری نزد شما شکایت کرد فوراً پیشنهاد جدایی ندهید. ﴿أَمْسَكَ عَلَيْكَ زَوْجَكَ﴾ (اسلام طرفدار تحکیم بنیاد خانواده است)
- ۷- در امر به معروف از اهرم عاطفه و تقوا استفاده کنید. ﴿أَمْسَكَ عَلَيْكَ زَوْجَكَ اتَّقِ اللَّهَ﴾
- ۸- تقوا سبب تحکیم پیوند خانوادگی است. ﴿أَمْسَكَ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ﴾
- ۹- ولی نعمت بودن، ایجاد حق امر و نهی می‌کند. ﴿أَنْعَمْتُ عَلَيْهِ﴾

أَمْسَكَ عَلَيْكَ زَوْجَكَ﴾

- ۱۰- لازمی قاطعیت و صلابت آن است که با افکار فاسد و منحرف، گرچه افکار عمومی باشد مبارزه کنیم. ﴿وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ﴾
- ۱۱- در شکستن عادت‌های غلط اجتماعی، از هیاهوی مردم نترسید. ﴿تَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ﴾
- ۱۲- در اجرای فرمان خدا منتظر تأیید مجامع بین المللی نباشید. ﴿تَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ﴾
- ۱۳- همهی طلاق‌ها و جدایی‌ها دلیل سرکشی و ناشزه بودن زن نیست. (بی‌علاقگی زن به شوهر نباید دلیل عدم تمکین او باشد.) ﴿قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا﴾
- ۱۴- زناشویی از نیازهای مهم انسان است. ﴿وَطَرًا﴾ یعنی نیاز مهم و اساسی.
- ۱۵- مسائل زناشویی را با کنایه بگویید. ﴿قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا﴾
- ۱۶- رهبران دینی جامعه باید در شکستن سنت‌های باطل پیشقدم باشند. ﴿لَكِي لَا يَكُونُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ﴾ (هموار کردن راه حق برای دیگران یک ارزش است)
- ۱۷- زنان بیوه محترم هستند و ازدواج با آنان کسر شأن نیست. ﴿زَوْجِنَا كَمَا﴾ خداوند می‌فرماید: این ازدواج را ما مقرر کردیم.
- ۱۸- پای بندی به آداب و رسوم غیر الهی، زندگی را فلج می‌کند. ﴿لَكِي لَا يَكُونُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ﴾
- ۱۹- ازدواج با همسر فرزند خوانده بعد از طلاق او جایز است. ﴿إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا﴾ (فرزند خواندگی در اسلام بوده است.)

﴿۳۸﴾ مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا

بر پیامبر در (انجام) آنچه خداوند برای او تعیین کرده هیچ سختی و محذوری نیست، چنان که خداوند درباره‌ی انبیای قبلی نیز این سنت را قرار داده بود (که آداب و رسوم جاهلی و بی‌اساس را بشکنند)، و فرمان خدا همواره سنجیده و اندازه‌گیری شده است.

نکته‌ها:

- این آیه به منزله قطعنامه‌ی آیه قبل است که رهبر دینی باید خط شکن باشد و از ملامت‌ها نترسد و منتظر رضایت این و آن نباشد.
- امام رضا علیه السلام فرمود: «چون خداوند می‌دانست که منافقان ازدواج پیامبر را با همسر زید که پسرخوانده حضرت بود، دستاویز عیب‌جویی او قرار خواهند داد، این آیه را نازل کرد»^۱.

پیام‌ها:

- ۱- پیامبر نباید در انجام فرمان خدا به جو سازی‌ها و مانع تراشی‌ها اعتنا کند. ﴿ما كان على النبي...﴾
- ۲- پیامبر، ممکن است وظایف و دستوره‌ای اختصاصی نیز داشته باشد. ﴿فرض الله له﴾
- ۳- همه‌ی انبیا، خط شکن، و با افکار منحرف عمومی درگیر بوده‌اند. ﴿من قبل﴾
- ۴- سنت خدا در شکستن سنت‌های غلط است. ﴿سنة الله﴾
- ۵- فرمان‌های الهی، حساب شده و لازم الاجراست. ﴿امر الله قدراً﴾

مقدوراً

﴿۳۹﴾ الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا

کسانی که پیام‌های الهی را ابلاغ می‌کنند و از خدا می‌ترسند، و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند، و خداوند برای حسابرسی کافی است.

نکته‌ها:

- در این آیه سخن از قاطعیت و شهامت مبلّغ در ابلاغ دستوره‌ای الهی به مردم است، ولی باید بدانیم که در مواردی مدارا، نرمش و سکوت برای جذب قلوب لازم است.
- خشیت غیر از خوف است، خشیت تأثر قلبی است که از عظمت امری ناشی می‌شود، ولی خوف انتظار وقوع امر ناپسندی است که موجب پرهیز از آن می‌شود. انبیا هیچ گونه خشیتی از غیر خدا ندارند، زیرا تنها خداوند را بزرگ می‌بینند.

پیام‌ها:

- ۱- موفقیت در تبلیغ، شرایطی دارد:
 - الف: تداوم تبلیغ. ﴿یبلّغون﴾
 - ب: تقوا در عمل. ﴿یخشونه﴾
 - ج: شهامت و قاطعیت. ﴿ولا یخشون احداً الا الله﴾
 - د: توکل به خدا. ﴿وکفی بالله حسیباً﴾
- ۲- همیشه تبلیغ با سخنرانی نیست، گاهی باید با عمل، حکم خدا را روشن ساخت. (در دو آیه قبل فرمود: زن زید را بگیر تا خرافه‌ای را از میان برداری، آنگاه در این آیه می‌فرماید: ﴿الذین یبلّغون رسالات الله﴾)

۱. تفسیر نورالثقلین و عیون الاخبار، ج ۱، ص ۲۰۳.

۳- مبلغان الهی، همواره دشمنان سرسخت و تهدیدکننده دارند.

﴿لَا يَخْشُونَ أَحَدًا﴾

۴- خدا ترسی مقدمه‌ی شجاعت و شهامت است. ﴿يَخْشَوْنَ وَلَا

يَخْشُونَ أَحَدًا﴾

۵- مبلغان الهی بدانند که حساب صبر و تحمل آنان با خداست.

﴿كُنِيَ بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾

﴿۴۰﴾ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ

وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

محمد ﷺ، پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست، بلکه رسول خدا

و خاتم پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است.

نکته‌ها:

□ در این آیه هم کلمه «رسول» و هم کلمه «نبی» آمده است. «رسول»

صاحب کتاب و «نبی» خبر دهنده است، یا آنکه «رسول» پیام‌آور و «نبی»

انجام دهنده رسالت است.^۱

□ «خاتم» به معنای نگین انگشتر است که در قدیم با حک کردن نام خود بر

روی آن، پایان نامه‌ها و دستورها را با آن مهر می‌کردند. خاتم و در اینجا

کنایه از آخرین پیامبر بودن است.

□ گرچه در قرآن آیات فراوانی بیانگر جهان شمولی و جاودانگی آیین

حضرت محمد ﷺ است، مانند: ﴿لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾^۲، ﴿لَا نَذْرَ لِمَنْ هُوَ بِكُمْ بِهٖ وَمِن

بَلِّغْ﴾^۳، ﴿كَافَّةً لِّلنَّاسِ﴾^۴ و در روایات، حدیث متواتر «لَا نَبِيَّ بَعْدِي» و

حدیث معروف «حلال محمد حلال ابداً الی یوم القیامة»^۵ و ده‌ها حدیث

۱. معجم الفروق اللغویة. ۲. فرقان، ۱.

۳. انعام، ۱۹. ۴. سبأ، ۲۸.

۵. کافی، ج ۱، ص ۵۸.

دیگر بر این مطلب تأکید کرده‌اند، ولی این آیه روشن‌ترین دلیل بر خاتمیت

پیامبر اسلام است.

□ این آیه تنها آیه‌ای است که هم نام پیامبر و هم رسالت پیامبر را در قالب

دو عنوان ذکر کرده است: «مُحَمَّد»، «رَسُولَ اللَّهِ»، «خَاتَمَ النَّبِيِّينَ»

چند سؤال

۱. چرا پس از اسلام انسان‌ها به پیامبر جدید نیاز ندارند؟

پاسخ: دلیل اصلی تجدید نبوت‌ها و آمدن پیامبران جدید، دو چیز بوده است:

یکی تحریف دین سابق، به گونه‌ای که از کتاب خدا و تعالیم پیامبر پیشین

امور بسیاری تحریف شده باشد و دیگری تکامل بشر در طول تاریخ که

مقتضی نزول قوانین جامع‌تر و کامل‌تر بود.

اما پس از پیامبر اسلام، این دو امر واقع نشده است. زیرا اولاً قرآن، بدون

آنکه کلمه‌ای از آن تحریف شود، در میان مردم باقی است و ثانیاً

جامع‌ترین و کامل‌ترین قوانین در آن مطرح شده و بر اساس علم خداوند، تا

روز قیامت هیچ نیازی برای بشر نیست، مگر آنکه حکمش در اسلام بیان

شده است.

۲. چگونه نیازهای متغیر انسان با خاتمیت دین سازگار است؟

پاسخ: انسان در مراحل تحصیلی خود تا درجه‌ی اجتهاد و دکترا به استاد

نیاز دارد، پس از آن به مرحله‌ای می‌رسد که می‌تواند بدون استاد، نیازهای

خود را از مطالبی که آموخته به دست آورد. باب اجتهاد باز است و می‌توان

قوانین مورد نیاز را از قواعد کلی استنباط کرد. البته بر اساس اصولی که فقها

برای استخراج احکام تدوین نموده‌اند.

۳. چرا رابطه بشر با عالم غیب قطع شد؟

پاسخ: وحی نازل نمی‌شود ولی رابطه با غیب همچنان باقی است، امام

معصوم علیه السلام حضور دارد و فرشتگان الهی بر او نازل می‌شوند،^۱ امدادهای غیبی به انسان‌های شایسته می‌رسد؛ حتی افراد عادی اگر متقی باشند نور الهی پیدا می‌کنند و خداوند راه حق را به نحوی به آنان نشان می‌دهد. ﴿اتَّقُوا اللَّهَ... يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا﴾^۲

پیام‌ها:

- ۱- پسرخوانده هرگز پسر نیست و پدرخوانده نیز پدر نیست تا ازدواج او با همسر مطلقه‌ی پسرخوانده‌اش جایز نباشد. ﴿ما كان مُحَمَّدَ أبَا أَحَدٍ وَرَجَالِكُمْ﴾
- ۲- حکم مادری همسران پیامبر برای مردم، (که در آیه ۶ مطرح شد) دلیل حکم پدری آن حضرت نیست. ﴿ما كان مُحَمَّدَ أبَا أَحَدٍ...﴾
- ۳- خاتمیت پیامبر اسلام، بر اساس علم و حکمت الهی است. ﴿خاتم النبیین - الله بكلّ شیء علیا﴾

﴿۴۱﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا

﴿۴۲﴾ وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید. و او را در هر صبح و شام تسبیح نمایید (و به پاکی بستنید).

نکته‌ها:

- یاد خداوند تنها با زبان و گفتار نیست، بلکه در هر فکر، کار و حرکتی رضایت خداوند را در نظر داشتن است.
- قرآن برای ذکر خدا آثار و برکاتی بیان کرده و یکی از دلایل نماز را ذکر خدا دانسته است، ﴿اقم الصلاة لذكركم﴾^۳ یاد خدا تنها وسیله‌ی آرامش

۱. بنگرید به اصول کافی بحث امامت.

۲. طه، ۱۴.

۳. حدید، ۲۸.

دل هاست. ﴿الا بذكر الله تطمئن القلوب﴾^۱ و روح آرام و نفس مطمئن به پرواز در می‌آید و به حق می‌رسد. ﴿يا ايُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ . ارجعي الى ربك﴾^۲ و اعراض از ذکر خدا زندگی نکبت باری را به همراه دارد ﴿و من أعرض عن ذكرى فان له معيشة ضنكا﴾^۳

□ گفته‌اند: تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام نمونه‌ای از ذکر کثیر است.^۴

□ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس زبان ذاکری داشته باشد، خیر دنیا و آخرت به او عطا شده است. و امام صادق علیه السلام فرمود: هر چیزی حدی دارد جز ذکر خدا.

□ در حدیث می‌خوانیم: قلب و روح، مثل آهن زنگ می‌زند و ذکر خدا وسیله‌ی روشنی و جلای آن است.

□ در روایات آمده است: ذکر خدا تنها با زبان نیست، ذکر واقعی آن است که هنگام حلال و حرام یاد خدا کنیم و از گناه دست برداریم.^۵

پیام‌ها:

- ۱- خطاب زیبا و محرمانه، وسیله‌ی جذب مردم و زمینه‌ی پذیرش آنان است. ﴿يا ايُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾
- ۲- یاد خداوند، زمانی در انسان مؤثر است که مستمر و بسیار باشد. ﴿أذكروا الله ذكراً كثيراً﴾
- ۳- بهترین ذکر خدا، تسبیح و تنزیه اوست. ﴿أذكروا الله... و سبِّحوه﴾
- ۴- آغاز و پایان روز را با تسبیح و یاد خدا بگذرانیم. ﴿سبِّحوه بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾

۱. فجر، ۲۷ - ۲۸.

۲. رعد، ۲۸.

۳. کافی، ج ۲، ص ۵۰۰.

۴. طه، ۱۲۴.

۵. میزان الحکمة و سفینة البحار (ذکر).

﴿۴۳﴾ هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا

او کسی است که بر شما درود می‌فرستد و فرشتگان او (نیز بر شما درود می‌فرستند) تا شما را از تاریکی‌ها (کفر، شرک، جهل، تفرقه و خرافات) به سوی نور (ایمان، تقوا، علم و وحدت) در آورند و او به مؤمنان مهربان است.

نکته‌ها:

□ در آیه‌ی قبل فرمود: خدا را بسیار یاد کنید. در این آیه می‌فرماید: خداوند بر شما صلوات می‌فرستد؛ گویا صلوات خدا، ذکر کثیر شماست، مثل آیه‌ی ﴿أَذْكُرُونِي أَذْكَرْكُمْ﴾^۱

پیام‌ها:

- ۱- راه دعوت مردم به دین، درود و رحمت است. ﴿يُصَلِّي عَلَيْكُمْ ... لِيُخْرِجَكُم﴾
- ۲- فرشتگان، هم بر مؤمنان درود می‌فرستند، ﴿يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم﴾ و هم برای آنان استغفار می‌کنند. ﴿وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾^۲
- ۳- انسان در خارج شدن از ظلمات، به امداد الهی نیاز دارد و عقل و علم بشر کافی نیست. ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي ... لِيُخْرِجَكُم مِنَ الظُّلُمَاتِ﴾
- ۴- تاریکی‌ها، متعدّد است. ﴿الظُّلُمَاتِ﴾ تاریکی جهل، شرک، تفرقه، غفلت و خرافات.
- ۵- ایمان به خداوند و حقایق الهی، نور راه انسان است. ﴿إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ﴾

کان بالمؤمنین

۶- ایمان، کلید دریافت رحمت ویژه الهی است. ﴿بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا﴾

﴿۴۴﴾ تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا

تحیّت آنان در روزی که خدا را ملاقات کنند سلام است؛ و خداوند برای آنان پاداشی نیکو فراهم کرده است.

نکته‌ها:

- کلمه‌ی «تحیّت» از «حیات»، به معنای دعا کردن برای سلامتی و حیات دیگران است.
- مراد از ﴿یوم یلقونه﴾، «روز ملاقات»، روز رستاخیز است که با کنار رفتن پرده‌ها، انسان به مقام شهود باطنی و دید قلبی می‌رسد، گویا خدا را ملاقات می‌کند.^۱
- سلام، هم از طرف خداست. ﴿سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ﴾^۲ هم از سوی فرشتگان است. ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ﴾^۳ هم نشانه‌ی سلامتی است. ﴿ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمَنِينَ﴾^۴ هم سخن رسمی بهشتیان است. ﴿قِيلَ سَلَامًا سَلَامًا﴾^۵

پیام‌ها:

- ۱- سلام، درود بهشتی و بهشتیان است. ﴿تَحِيَّتُهُمْ ... سَلَامٌ﴾
- ۲- پاداش‌های الهی، هم بزرگوارانه است، هم بزرگ و گرانقدر. ﴿أَجْرًا كَرِيمًا﴾، ﴿أَجْرًا عَظِيمًا﴾^۶

۱. تفسیر نمونه. ۲. یس، ۵۸.
 ۳. رعد، ۲۴. ۴. حجر، ۴۶.
 ۵. واقعه، ۲۶. ۶. نساء، ۴۰.

۱. بقره، ۱۵۲. ۲. غافر، ۷.

﴿٤٥﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

﴿٤٦﴾ وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا

ای پیامبر! همانا ما تو را گواه (بر مردم) و بشارت دهنده و بیم‌دهنده فرستادیم. و (نیز) دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی تابان (قرار دادیم).

نکته‌ها:

□ در این دو آیه، نقش پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جامعه بیان شده است.

او مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند و شیوه‌ی او در این دعوت، بشارت و انذار است، اما نه فقط با زبان، بلکه عمل او نیز حجت بر مردم و الگویی برای آنان است.

پیام‌ها:

۱- باید نقش و مسئولیت افراد را به آنان و جامعه اعلام کرد. ﴿يا أيها النبي انا ارسلناك...﴾

۲- در برابر نیش‌ها و آزار دشمن، تجلیل لازم است. ﴿ارسلناك شاهداً و...﴾

(در آیه‌ی بعد می‌خوانیم: ﴿وَدَعَّ أَذَاهُمْ﴾)

۳- پیامبر بر اعمال مردم گواه است. ﴿شاهداً﴾

۴- کسی می‌تواند بشارت و هشدار دهد که بر اعمال و رفتار مردم شاهد و در صحنه حاضر باشد. ﴿شاهداً و مبشراً﴾

۵- در تبلیغ و تربیت، بشارت و انذار هر دو لازم است. ﴿مبشراً و نذیراً﴾

۶- بشارت و انذار، وسیله دعوت انبیاست. ﴿مبشراً و نذیراً و داعياً﴾

۷- انبیا مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنند، نه خود. ﴿داعياً إلى الله﴾

۸- انبیا نیز در برابر خداوند از خود استقلالی ندارند و موفقیت و دعوت آنان با اذن الهی است. ﴿بإذنه﴾

۹- پیامبر در جامعه، چراغ هدایتی است که نور آن سبب رشد، حرکت و تشخیص است. ﴿سراجاً منيراً﴾

﴿٤٧﴾ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا

﴿٤٨﴾ وَلَا تَطْعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا

و به مؤمنان بشارت ده که برای آنان از سوی خداوند بخششی بزرگ است. و کافران و منافقان را اطاعت مکن، و به آزارشان اعتنا مکن، و بر خدا توکل نما که خداوند برای وکالت کافی است.

نکته‌ها:

□ بی‌اعتنایی به آزار و اذیت دشمنان به معنای سستی و کوتاهی در برخورد با آنان نیست، بلکه به معنای توکل و امیدواری به رحمت الهی، دلسرد نشدن از برخوردهای آنان است.

□ پیامبر، از جانب خداوند مأمور می‌شود تا به مؤمنان بشارت دهد که لطف و فضل ویژه او شامل حال آنان می‌شود و این خود بزرگ‌ترین لطف خداست.

□ این آیه «و بشر...» مصداق و نمونه آیه‌ی قبل است که فرمود: «مبشراً».

پیام‌ها:

۱- ایمان، شرط دریافت الطاف ویژه‌ی الهی است. ﴿بشر المؤمنین﴾

۲- رهبر باید به مؤمنان بشارت دهد. ﴿بشر المؤمنین﴾

۳- رفتار خدا با مؤمنان بر اساس فضل است. ﴿من الله فضلاً﴾ البتّه

تفضلات الهی بر بندگان، درجات و مراتبی دارد. ﴿فضلاً كبيراً﴾

۴- کسی که به سرچشمه‌ی قدرت حق دلگرم شد، می‌تواند از

منحرفان جدا شود. ﴿من الله فضلا كبيرا - ولا تطع...﴾

- ۵- بی اعتنایی به کار شکنی‌های کفار و منافقان و مقاومت در برابر خواسته‌های آنان، به توکل نیاز دارد. ﴿لا تطع - دَعِ أَذَاهُمْ - توکل﴾
- ۶- کفار و منافقان در یک خط هستند. ﴿ولا تطع الكافرين و المنافقين﴾ کار هر دو آزار دادن مؤمنان است. ﴿أذاهم﴾
- ۷- در شرایطی، رهبر باید فقط ارشاد کند و به فکر مقابله به مثل و انتقام از مخالفان نباشد. ﴿دَعِ أَذَاهُمْ﴾
- ۸- به خداوند توکل کنیم، زیرا او وکیل لایق و با کفایتی است. ﴿و کفی بالله وکیلاً﴾

﴿۴۹﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ

طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ

تَعْتَدُونَهَا فَمَنْعُوهُنَّ وَسِرَّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه زنان با ایمان را به همسری گرفتید و پیش از آن که با آنان آمیزش کنید طلاقشان دادید، عده‌ای برای شما به عهده آنان نیست تا حسابش را نگهدارید، پس آنها را (با پرداخت مهریه و هدیه‌ی مناسبی) بهره‌مند سازید و به طرز شایسته‌ای رهایشان کنید.

نکته‌ها:

- مراد از «نکاح»، عقد ازدواج و مراد از «تماس» آمیزش جنسی و مراد از «سراحاً جمیلاً» طلاق بدون خصومت و خشونت است.
- «عِدَّة» به مدتی گویند که زنان پس از طلاق، باید تا پایان آن صبر کنند و همسر دیگری نگیرند. عده‌ی طلاق زن، سه مرتبه حیض شدن و پاک شدن و عده‌ی وفات شوهرش چهار ماه و ده روز است.
- چند گروه از زنان به عده نیاز ندارند: یک گروه کسانی هستند که پس از

عقد، تماس جنسی نداشته‌اند، گروه دیگر، زنان یائسه‌اند که از بچه‌دار شدن مأیوس‌اند. (زنان ۵۰ و ۶۰ ساله)

- در آیه‌ی ۲۳۶ سوره بقره نیز خواندیم که هدیه مرد به همسر مطلقه‌ی قبل از آمیزش، باید به قدر معروف و توانایی باشد. ﴿علی الموسع قدره و علی المقتر قدره متاعاً بالمعروف﴾
- امام باقر علیه السلام فرمود: این گونه زنان (طلاق داده شده) با وحشت و غصه و شماتت دیگران به خانه‌ی پدر بر می‌گردند و لذا باید به مقداری که توان دارید، با هدیه دل آنان را آرام کنید. ﴿فَتَّعُوهُنَّ و سِرَّحُوهُنَّ﴾

پیام‌ها:

- ۱- لازمه‌ی ایمان، عمل به دستورهای خداوند است. ﴿یا ایها الذین آمنوا اذا نکحتم...﴾
- ۲- اختیار طلاق، با مرد است. ﴿طلقتم﴾ مگر مواردی که در شرع مشخص شده است.
- ۳- مهم‌ترین شرط ازدواج، ایمان است. ﴿آمنوا... نکحتم المؤمنات﴾
- ۴- طلاق، نشانه‌ی شکست دینی نیست. ﴿المؤمنات - طلقتموهن﴾
- ۵- عده، حق مرد است تا اگر خواست رجوع کند، اما در طلاق قبل از تماس، مرد حق رجوع ندارد. ﴿فما لکم علیهن من عده﴾
- ۶- ضربه‌های روحی باید جبران شود. در طلاق پس از عقد، روحیه زن خرد می‌شود که با پرداخت مهریه‌ای مناسب، بخشی از آن جبران می‌شود. ﴿فتتعوهن﴾
- ۷- جدایی و طلاق به معنای کینه و خشونت نیست. ﴿سرحوهن سراحاً جمیلاً﴾

﴿۵۰﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ الَّتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالَكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ الَّتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

ای پیامبر! ما برای تو همسرانی را که مهرشان را پرداخته‌ای حلال کردیم و همچنین کنیزانی را که (به عنوان غنایم جنگی) خداوند بر تو ارزانی داشته و مالک شدی (بر تو حلال کردیم) و نیز (ازدواج با) دختران عمویت و دختران عمه‌هایت و دختران دایی و دختران خاله‌هایت را که با تو هجرت کرده‌اند، (برای تو حلال کردیم) و زن با ایمانی که خود را به پیامبر ببخشد (و مهریه‌ای از حضرت نخواهد) اگر پیامبر بخواهد می‌تواند او را به عقد خویش درآورد؛ (این قانون عقد بدون مهریه) مخصوص توست نه دیگر مؤمنان؛ همانا می‌دانیم که برای آن مؤمنان درباره همسران و کنیزانشان چه حکمی کرده‌ایم، (این برای آن است که) تا برای تو مشکلی نباشد، و خداوند آمرزنده‌ی مهربان است.

نکته‌ها:

□ «أَفَاءَ» از «فِیء» به اموالی گفته می‌شود که بدون جنگ به دست مسلمانان می‌رسد. در عرب کلمات «عم» و «خال» به صورت جنس به کار می‌رود و همه‌ی عموها و دایی‌ها را شامل شود، ولی «عمّة» و «خالّة» به صورت جمع می‌آید. «عمّاتک»، «خالّاتک»

□ در اسلام سه نوع نکاح وجود دارد:

الف: نکاح با مهریه (خواه دائم یا موقت).

ب: نکاح از طریق مالک شدن کنیز.

ج: نکاح بدون مهریه، که زنی خود را به مردی ببخشد.

نوع اول و دوم برای عموم است و نوع سوم تنها برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده

است. روزی عایشه گفت: یا رسول الله! خداوند هوای تو را دارد!

پیامبر فرمود: «وَأَنْتِ أَنْ اطَّعْتِ اللَّهَ سَارِعٌ فِي هَوَاكَ»^۱ تو نیز اگر مطیع خدا

باشی، امتیازاتی به تو می‌دهد.

□ بر پیامبر جهاد یک تنه واجب بود. «لَا تَكْلَفُ الْإِنْفِسُكَ وَحَرَضِ

الْمُؤْمِنِينَ»^۲ بر پیامبر نماز شب واجب بود و ... اکنون یک امتیاز مادی در

برابر آن همه سختی^۳ چیزی نیست.

□ سؤال: چرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زنان متعدّد داشت؟

پاسخ: اولاً: در ازدواج‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله مسأله شهوت محور نبوده است،

زیرا پیامبر عزیز اسلام از ۲۵ سالگی تا ۵۳ سالگی فقط با خدیجه زندگی

کرده، زنی که هنگام ازدواج سِتّش پانزده سال از حضرت بیشتر بود و پیامبر

تا او را داشت با دیگری ازدواج نکرد.

ثانیاً: تمام قبایل علیه حضرت بودند و پیامبر باید با طرحی دقیق این وحدت

نا مقدّس را می‌شکست و بهترین و ساده‌ترین و ارزان‌ترین و طبیعی‌ترین

راه این بود که پیامبر داماد قبایل مختلف شود و مردم طبق رسوم آن زمان

حمایت داماد را بر خود لازم می‌دانستند و پیامبر بدین وسیله می‌توانست

مشکلات راه تبلیغ دین را هموار کند.

ثالثاً: بعضی ازدواج‌ها برای مبارزه با آداب و رسوم غلط بود. نظیر ازدواج

پیامبر با زینب دختر عمه‌اش که در آیه‌ی ۳۷ همین سوره گذشت.

۱. بحار، ج ۲۲، ص ۱۸۰. ۲. نساء، ۸۴.

۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ پیامبری چنان که من اذیت شده‌ام آزار ندیده

است. «ما اوذی نبي مثل ما اوذيت»

رابعاً: پیامبر بعضی زنان را تنها عقد نمود و با آنان همبستر نشد و از بعضی قبایل تنها خواستگاری نمود و عقد هم نکرد و همین رفتارها وسیله‌ی ارتباط می‌شد.

خامساً: اگر هدف مسأله‌ی جنسی بود باید از این همه همسر فرزندان بسیاری می‌داشت.

سادساً: عایشه بسیار کوچک بود که به عقد پیامبر درآمد و مدت‌ها گذشت تا توانست همسر واقعی حضرت باشد. اگر هدف مسایل جنسی باشد انسان با بچه ازدواج نمی‌کند.

سابعاً: ما نباید پیامبر را با خود مقایسه کنیم؛ ما با داشتن یک همسر از بسیاری توفیقات باز می‌مانیم، ولی پیامبر اکرم با داشتن چند همسر چنان غرق در عرفان و مناجات و تبلیغ بود که خداوند به حضرت خطاب می‌کند: چرا این قدر به خاطر هدایت مردم حرص می‌خوری ﴿لَعَلَّكَ بَاخِعٍ نَفْسِكَ﴾^۱ چرا خود را به مشقت می‌اندازی، ﴿لَتَشْقَى﴾^۲ چرا حلال‌هایی را بر خود حرام می‌کنی، «لَمْ تُحْرَمِ...» آری، نسیم تند معرفت، خیمه‌ی وجودی پیامبر را چنان بلند می‌کرد که این همه زن، نمی‌توانست آن را از پرواز باز دارد.

به هر حال، ازدواج‌های مجدد پیامبر بعد از سن ۵۳ سالگی بوده است، آن هم با زنان بیوه و متروکه یا داغ‌دیده، با تمایل کامل آنان به ازدواج و اجرای عدالت از سوی پیامبر و آموختن درس عملی برای اداره چند همسر و انتخاب زندگی ساده و بی‌توجهی به خواسته‌های تجمل‌گرایانه‌ی برخی همسران. علاوه بر همه‌ی این‌ها در آن زمان داشتن چند همسر هیچ عیبی نبوده است و گاهی همسر اول به خواستگاری همسر دوم می‌رفت و ده‌ها نکته‌ی دیگر که باید در آنها دقت نمود.

۱. شعراء، ۳.

۲. طه، ۲.

پیام‌ها:

۱- تعیین حلال و حرام به دست خداست. ﴿أَنَا احْلَلْنَا لَكَ﴾ (حتی پیامبر در مسایل فردی تابع قانون الهی است).

۲- مهریه برای زن لازم و پرداخت آن از سوی مرد واجب است. ﴿آتیت اجورهن﴾

۳- غرایز جنسی را جدی بگیرید، حتی کنیزان باید کامیاب باشند. ﴿ما ملکک یمینک﴾

۴- اسلام برای شخص پیامبر، تکالیف و همچنین امتیازات خاص قرار داده است. ﴿خالصة لك﴾

۵- تعیین زنانی که می‌توان با آنان ازدواج کرد، از سوی خداوند است. ﴿فرضنا علیهم فی ازواجهم﴾

۶- خداوند دوست ندارد پیامبر در تنگنا قرار گیرد. ﴿لکیلا یکون علیک حرج﴾

﴿۵۱﴾ تَرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُمْ وَتُؤَيِّ إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَمَنْ أَيْتَعَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلَّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا

از همسرانت هر کدام را خواستی می‌توانی (نوبت او را) مؤخرداری و هر که را خواهی نزد خود جای دهی، و بر تو باکی نیست هر کدام را که (برای مدتی) ترک کرده‌ای دوباره طلب کنی؛ این (حکم) برای آن که چشمانشان روشن شود و ناراحت نشوند و همه‌ی آنان به آنچه در اختیارشان می‌گذاری راضی باشند مناسب‌تر است، و خداوند آنچه را در دل‌های شماست می‌داند، و خداوند دانا و بردبار است.

نکته‌ها:

□ کلمه «تُرْجَى»، از «ارجاء» به معنای تأخیر انداختن و «تُؤَى» از «مَأْوَى» به معنای مکان دادن است. این دو کلمه کنایه از طلاق و نگهداری یا تأخیر و تقدّم در همبستری است.

□ اجرای عدالت در میان همسران واجب است، ولیکن پیامبر اکرم ﷺ به دلیل مشکلات فراوان و جهاد با دشمنان و تلاش برای جامعه، از طرف خداوند مجاز بود که موعده همسران خود را تغییر دهد، به جای این که هر شب در منزل یکی از آنان باشد، چند شب پیاپی در یک جا بماند، بعد چند شب دیگر منزل دیگری باشد.^۱ البته بعضی مفسران این آیه را درباره‌ی اختیار پیامبر در کم و زیاد کردن نفقه همسران یا رد کردن تقاضای زنان هبه‌ای و بعد پذیرفتن آنها و یا طلاق اولیه و رجوع ثانوی تفسیر کرده‌اند.

پیام‌ها:

۱- برای افرادی که مسئولیت‌های سنگین دارند باید اختیاراتی ویژه گذاشت. «ترجی من تشاء» (کسانی که عدالت و تقوا و عملکردشان برای همه روشن است، می‌توانند در همان چهار چوب عدل و تقوا در زندگی خود تغییراتی ایجاد کنند. چنانکه همسران پیامبر ﷺ به موضع و تصمیم عادلانه آن حضرت درباره تأخیر و تقدّم همخوابگی با هر یک از آنان اطمینان خاطر داشتند).
۲- اختیارات پیامبر، به معنای نادیده گرفتن حق همسران نیست. «تَقْرَأُ عَيْنَهُنَّ - لَا يَحْزَنُ - يَرْضِينَ»

۳- چشم همسر به دو چیز روشن می‌شود: یکی نداشتن غم و دیگری رضایت قلبی. «تَقْرَأُ عَيْنَهُنَّ وَ لَا يَحْزَنُ وَ يَرْضِينَ»
۴- راضی کردن همسر نباید مخصوص روزهای اول زندگی باشد،

۱. مستفاد از حدیثی در کافی، ج ۵، ص ۳۸۸.

بلکه باید همواره چنین باشد. «و یرضین»

۵- جلب رضایت صد در صد چند همسر محال است، ولی باید چنان برنامه‌ریزی کرد که به آن نزدیک باشد. «ادنی ان... یرضین»
۶- مرد باید در صد راضی کردن تمام همسران خود باشد. «کَلْهَن»
۷- احکام الهی برای برقراری عدالت و حفظ حقوق خانواده است، گرچه در دلها توقع چیز دیگری باشد. «وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا فِيْ قُلُوْبِكُمْ»
۸- احکام خانواده در اسلام، از سرچشمه‌ی علم الهی است. «كَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا»

﴿۵۲﴾ لَا يَجِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَّقِيبًا

از این پس، هیچ زنی بر تو حلال نیست، و نباید (همسرانت را رها کنی و) همسر دیگری به جای آنان بگیری، هر چند زیبایی آنان تو را به شگفت آورد، مگر کنیزانی که مالک آنها می‌شوی؛ و خداوند بر هر چیزی مراقب است.

نکته‌ها:

□ پیامبر اکرم ﷺ از طرف برخی قبایل تحت فشار بود تا همسری از آنان بگیرد و افتخار کنند که رسول خدا داماد آنهاست. لذا پیامبر طبق مصالحی زنانی را به ازدواج خویش در آورد. اما این آیه تداوم این کار را منع فرمود.

پیام‌ها:

۱- در قرآن، احکام ثابت و متغیر وجود دارد. «لَا يَجِلُّ... مِنْ بَعْدُ» آری، عنصر زمان، می‌تواند در اجرای احکام مؤثر باشد.
۲- تعدّد همسر حتّی برای پیامبر محدودیت دارد. «لَا يَجِلُّ... مِنْ بَعْدُ»

۳- خداوند مراقب کسانی است که به خاطر زیبایی زنی را جایگزین همسر اول خود می‌نمایند. ﴿رَقِيبًا﴾

۴- پیامبر موظف است حلال و حرام کار خود را از خداوند بگیرد. ﴿لَا يَجِلُّ لَكَ﴾

﴿۵۳﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَاطِرِينَ إِيَّاهُ وَلَئِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَنْبِسِينَ لِخَدِيثٍ إِنْ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيَ مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيَ مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَرْوَاحَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه پیامبر وارد نشوید مگر آن که به شما اجازه داده شود برای خوردن غذا. (به شرط آن که قبل از موعد نیایید) و در انتظار وقت غذا نباشید؛ ولی هرگاه دعوت شدید پس داخل شوید، و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید، و (بعد از خوردن غذا) به گفتگو نپردازید؛ همانا این (گفتگوهای پس از غذا) پیامبر را آزار می‌دهد، اما او از شما شرم می‌کند (و چیزی نمی‌گوید) ولی خداوند از (گفتن) حق شرم ندارد. و هرگاه از همسران پیامبر چیزی از وسایل زندگی (به عنوان عاریت) خواستید از پشت پرده بخواهید؛ این رفتار برای دل‌های شما و دل‌های آنان به پاکی و پاکدامنی است و شما حق ندارید که رسول خدا را آزار دهید و با همسران او پس از رحلتش ازدواج کنید که این کار نزد خداوند (گناهی) بزرگ است.

نکته‌ها:

□ اجازه گرفتن برای ورود به خانه‌ی دیگران، مخصوص خانه‌ی پیامبر اکرم ﷺ نیست، همان گونه که در سوره‌ی نور می‌خوانیم: ﴿لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا﴾^۱

□ در این آیه قسمت‌هایی از آداب مهمانی مطرح شده، و در آیات دیگر بخش‌های دیگری از آن آمده است:

* هنگام ورود، سلام کنید. ﴿فَسَلِّمُوا﴾^۲

* اگر جواب ردّ دادند ناراحت نشوید و برگردید. ﴿إِذَا قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا﴾^۳

* نوع پذیرایی به خصوص اگر دعوت کرده‌اید، خوب باشد. ﴿وَجَاءَ بِعَجَلٍ حَنِيفًا﴾^۴

* سفره را نزد مهمان ببرید، نه آنکه مهمان را به محل پذیرایی ببرید. ﴿فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ﴾^۵

در روایات نیز دهها نکته و دستور پیرامون آن وارد شده است.

□ «إِيَّاهُ» به معنای پخته شدن غذاست و «غَيْرِ نَاطِرِينَ إِيَّاهُ» یعنی مهمان زودتر از وقت پذیرایی نباید تا منتظر پخته شدن غذا بماند.

□ خانه‌ی پیامبر، اتاق‌های متعدّد داشته و هریک از همسران در اتاقی زندگی می‌کردند. ﴿بُيُوتِ النَّبِيِّ﴾

□ خطاب‌هایی که در این آیه درباره زنان پیامبر اکرم ﷺ آمده است، در حقیقت مربوط به همه‌ی زنان مسلمان است، به دلیل ﴿أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ﴾ که خداوند درباره‌ی هر زن و مردی پاکدلی را می‌خواهد.

□ چون خطر سوء استفاده از همسران پیامبر، مهم‌تر از حقّ شخصی

۱. نور، ۲۷. ۲. نور، ۶۱.
 ۳. نور، ۲۸. ۴. هود، ۶۹.
 ۵. ذاریات، ۲۷.

آنهاست، باید بعد از پیامبر حقّ ازدواج با دیگران از آنان سلب شود. ﴿ولا ان تنكحوا ازواجه﴾

پیام‌ها:

۱- ایمان، مستلزم رعایت ادب و آداب اجتماعی است. ﴿یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا...﴾

۲- حقّ آرامش در مسکن برای همگان محترم است، خصوصاً برای رسول خدا ﷺ. ﴿لا تدخلوا بیوت النبی﴾

۳- بهتر آن است که مهمانی در منزل باشد. (نه در مهمانسرا و هتل) ﴿بیوت النبی... الی طعام﴾

۴- صاحب خانه حقّ دارد به کسی اذن ورود ندهد. ﴿الا ان یؤذن لکم﴾

۵- اجازه برای ورود به خانه دیگران، به هر صورت کافی است و لازم نیست خود او شخصاً اجازه بدهد. («یؤذن» به صورت

مجهول آمده، یعنی اجازه صاحبخانه از هر طریقی حاصل شود). ۶- پذیرایی از مهمان، از سیره‌ی پیامبر اکرم است. ﴿الی طعام... دُعیتم﴾

۷- اصل مهمانی مهم است، نه نوع غذا. ﴿الی طعام... دُعیتم﴾

۸- دین جامع آن است که هم برای مسایل جزئی همچون پذیرایی از مهمان و هم بزرگترین مسایل حکومتی برنامه داشته باشد.

﴿یؤذن لکم - غیر ناظرین - فانتشروا...﴾

۹- بی دعوت به مهمانی نروید. ﴿اذا دعیتم﴾

۱۰- در اسلام، مردم عادی می‌توانند به خانه اول شخصیت دینی رفت و آمد کرده و حتی مهمان شوند. ﴿بیوت النبی... دُعیتم﴾

۱۱- از آداب مهمانی آن است که بعد از خوردن غذا خانه را ترک

کنید. ﴿فانتشروا﴾ و منزل میزبان را محلّ گفت و شنود قرار ندهید. ﴿ولا مستأنسین لحديث﴾

۱۲- اذیت کردن میزبان ممنوع است. ﴿یؤذی النبی﴾ (گرچه با بردن فرزندان و یا همراهان باشد. تحقیر غذا و ناچیز شمردن آن نیز مصداق اذیت میزبان است).

۱۳- پیامبر، از اتلاف وقت در گفتگوهای بی‌مورد رنج می‌برد. ﴿لا مستأنسین لحديث ان ذلکم کان یؤذی النبی﴾

۱۴- رنجاندن لازم نیست ظاهری و جسمی باشد، فشار اخلاقی و روحی نیز نوعی آزار دادن است. ﴿ذلکم کان یؤذی﴾

۱۵- صاحبخانه را در بن‌بست و رودربایستی قرار ندهید. ﴿فیستحی منکم﴾

۱۶- سکوتی که بر اساس حیا و رودربایستی باشد، علامت رضایت نیست. ﴿فیستحی منکم﴾

۱۷- پیامبر اکرم ﷺ شخص با حیایی بود. ﴿فیستحی منکم﴾

۱۸- اگر به دلیلی شخصی از روی حیا سکوت کرد، دیگران سکوت را بشکنند و حقّ را بیان کنند و بار خجالت را از دوش او بردارند.

﴿والله لا یستحی من الحق﴾

۱۹- ارتباط با دیگران و داد و ستد زنان، با حفظ حجاب مانعی ندارد. ﴿فاستلوهنّ من وراء حجاب﴾

۲۰- زنان پیامبر محصور نبوده و با بیرون از منزل در ارتباط بودند.^۱ ﴿فاستلوهنّ من وراء حجاب﴾

۲۱- در استدلال بر لزوم حجاب زن، دلیلی بیاورید که مورد اتفاق

۱. شاید امروزه کسانی باشند که اگر یک لیوان آب از همسرشان بخواهی ناراحت می‌شوند که چرا با خانم من سخن گفتید، ولی قرآن می‌فرماید: با حفظ حجاب از زنان پیامبر نیز می‌توان چیزی درخواست نمود.

همه باشد. ﴿ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ﴾

۲۲- در نحوه‌ی ارتباط زنان و مردان، باید محور کارها تقوا و پاکدلی باشد. ﴿أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ﴾

۲۳- نگاه نامحرم به یکدیگر، در دل آنان تأثیر گذار است. ﴿فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ﴾

ز دست دیده و دل هر دو فریاد

هر آنچه دیده بیند دل کند یاد

۲۴- حجاب به نفع زن و مرد هر دو است. ﴿أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ﴾

۲۵- رابطه با نامحرم بدون حفظ حجاب، سبب رنجاندن رسول اکرم ﷺ است. ﴿وَ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ﴾

۲۶- آزار پیامبر از گناهان کبیره است. ﴿كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا﴾

﴿۵۴﴾ إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تَخْفَوْهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

اگر چیزی را آشکار نمایید یا پنهانش کنید پس بی شک خداوند به هر چیزی داناست.

پیام‌ها:

۱- خداوند، نه تنها به اعمال ما، بلکه به همه چیز آگاه است. ﴿فَإِنَّ

اللَّهُ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾

۲- علم خداوند به پنهان و آشکار امور یکسان است. ﴿كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ

عَلِيمًا﴾

۳- اگر بدانیم همه چیز برای او روشن است، ریا و نفاق چرا؟ ﴿بِكُلِّ

شَيْءٍ عَلِيمًا﴾

۴- حفظ حجاب ظاهری و برقراری رابطه‌ی پنهانی، نشانه‌ی

بی‌ایمانی به علم خداست. ﴿تَبْدُوا شَيْئًا أَوْ تَخْفَوْهُ فَإِنَّ اللَّهَ ... عَلِيمًا﴾

﴿۵۵﴾ لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ

وَلَا ابْنَاتٍ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا ابْنَاءَ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَاءَ هُنَّ وَلَا مَا

مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَ اتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا

بر زنان، (نداشتن حجاب) در مورد پدرانشان و پسرانشان و

برادرانشان و پسران برادرانشان و پسران خواهرشان و دیگر

زنان مسلمان و کنیزانشان گناهی نیست، و تقوای الهی پیشه

کنید زیرا خداوند بر هر چیزی گواه است.

نکته‌ها:

□ این آیه کسانی را که به واسطه‌ی نسبی به زن محرم هستند نام برده، اما

محرمات سببی همچون داماد و برادر رضاعی و نیز کودکانی که به سن

تکلیف نرسیده و مسایل شهوانی را درک نمی‌کنند، بر زنان محرم هستند.^۱

□ گرچه بعضی این آیه را مربوط به زنان پیامبر دانسته‌اند، ولی به نظر

می‌رسد که آیه مربوط به تمام زنان باشد.

پیام‌ها:

۱- در اسلام سختی و حرج نیست، بستگان درجه‌ی اول که دایماً در

خانواده رفت و آمد می‌کنند، با یکدیگر محرمند. ﴿لَا جُنَاحَ ...﴾

۲- میان زنان مسلمان، حجاب لازم نیست، ولی نزد زنان غیر

مسلمان حجاب لازم است. ﴿نِسَائِهِنَّ﴾

۳- محرم بودن، به معنای بی‌مبالاتی و بی‌تقوایی نیست. ﴿لَا جُنَاحَ

عَلَيْهِنَّ ... وَ اتَّقِينَ اللَّهَ﴾

۴- گواه بودن خدا بر اعمال انسان، بهترین عامل و اهرم رعایت

تقواست. ﴿وَ اتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا﴾

۱. در مورد مسائل حجاب و محرم و نامحرم به توضیح المسائل مراجع تقلید مراجعه شود.

﴿۵۶﴾ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

همانا خداوند و فرشتگان او بر پیامبر درود می فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شما (نیز) بر او درود فرستید و به او سلام کنید سلامی همراه با تسلیم.

نکته‌ها:

□ در کتاب‌های ششگانه‌ی اهل سنت روایاتی آمده که از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسیدند: چگونه صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»

در صحیح بخاری^۱ (باب چگونگی صلوات بر پیامبر) وقتی این حدیث را نقل می‌کند، در همان نقل حدیث، کلمه‌ی «آل محمد» را حذف کرده، چنین می‌نویسد: از محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسیدند: چگونه صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ»؟!

□ در کنار نام پیامبر، ذکر صلوات مهم است. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «هرکه در کتاب و نوشته‌ای بر من صلوات فرستد تا آن صلوات در آن نوشته باقی است، برای او پاداش خواهد بود».^۲

□ در حدیث می‌خوانیم: «هرکس بر حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یک صلوات فرستد، خداوند ده صلوات بر او می‌فرستد و ده لغزش او را می‌پوشاند».^۳

□ صلوات، کلید استجاب دعا و سبب سنگین شدن میزان مؤمن در قیامت می‌شود.

□ خداوند در قرآن به پیامبرش می‌فرماید: به زکات دهندگان صلوات فرست، ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً... صَلِّ عَلَيْهِمْ﴾^۴، در این آیه به مردم

سفارش می‌کند که بر پیامبر صلوات فرستاده شود. آری، در اسلام رابطه مردم و رهبر، رابطه صلوات و درود است همان‌گونه که در آیه ۵۴ سوره انعام خدا به پیامبرش دستور می‌دهد به کسانی که به ملاقات می‌آیند سلام کن. ﴿إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ﴾

□ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «درود خداوند به معنای رحمت، درود ملائکه به معنای به پاکی یاد کردن و درود مردم به معنای دعاست».^۱

پیام‌ها:

۱- هرگاه خواستید دیگران را به کار خیری دعوت کنید، اول خود و دست اندرکاران شروع کنید. (خداوند برای فرمان صلوات به مردم، اول از صلوات خود و فرشتگان نام می‌برد.) ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ﴾

۲- صلوات خدا و فرشتگان دایمی است. ﴿يُصَلُّونَ﴾

۳- صلوات بر پیامبر، لازمه ایمان و از وظائف مؤمنان است. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا﴾

۴- درود لفظی کافی نیست، تسلیم عملی نیز لازم است. ﴿صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا﴾

۵- رابطه‌ی مردم و رهبر در حکومت الهی، صلوات و سلام است. (علاقه‌ی قلبی کافی نیست، اظهار علاقه لازم است.) ﴿صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا﴾

۱. صحیح بخاری، حدیث ۵۸۸۰. ۲. تفسیر روح البیان.

۳. تفسیر مجمع البیان. ۴. توبه، ۱۰۳.

۱. تفسیر نورالثقلین.

﴿۵۷﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا

همانا کسانی که خدا و رسولش را آزار می‌دهند، خداوند در دنیا و آخرت آنان را لعنت می‌کند، و برای آنان عذاب خوار کننده‌ای آماده کرده است.

نکته‌ها:

- آزار خداوند، یعنی انجام کاری بر خلاف خواست و رضای او که به جای جلب رحمت الهی، غضب و لعنت خداوند را به دنبال دارد.
- شاید مراد از اذیت خدا، اذیت بندگان خدا باشد، نظیر قرض دادن به بنده که قرض دادن به خداست، و مراد از اذیت کردن پیامبر ﷺ تکذیب و تهمت و برخورد بی ادبانه با آن حضرت و اذیت کردن اهل بیت اوست، همان گونه که در چند روایت آمده است که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «فاطمة بضعة مني فمن اغضبها اغضبني»^۱ فاطمه پاره‌ی تن من است، هر که او را خشمگین سازد مرا به خشم آورده است.

پیام‌ها:

- ۱- بنده‌ی مخلص به جایی می‌رسد که رنجاندن او، رنجاندن خدا می‌شود. ﴿يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾
- ۲- بخشی از کیفر توهین و تحقیر و آزار و اذیت اهل ایمان، در همین دنیا ظاهر می‌شود. ﴿لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا﴾
- ۳- چون هدف ایذا کننده اهانت است، کیفر او نیز اهانت در آخرت است. ﴿عَذَابًا مُهِينًا﴾

﴿۵۸﴾ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كُتِبَ لَهُمْ
فَقَدْ أَحْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا

و کسانی که مردان و زنان با ایمان را بدون آن که کاری کرده باشند آزار می‌دهند بدون شک بهتان و گناه روشنی را بر دوش کشیده‌اند.

نکته‌ها:

- در ضررهای جسمی، قصاص و مقابله به مثل جایز است، ﴿وَالْعَيْنِ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفُ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنُ بِالْأُذُنِ وَالسِّنُّ بِالسِّنِّ﴾^۱ ولی در ضربه‌های روحی و آبرویی دستور مقابله به مثل نداریم. قرآن نمی‌فرماید که اگر کسی به شما تهمت زد، شما هم به او بهتان بزنید، بلکه به گناهکار هشدار می‌دهد و در صورت لزوم به دستور حاکم شرع حدّ می‌خورد.
- شاید بتوان از جمله ﴿بَغَيْرِ مَا كُتِبَ لَهُمْ﴾ استفاده کرد که آزار مسلمان خلافکار در چهار چوب قانون الهی مانعی ندارد.

پیام‌ها:

- ۱- اصرار بر گناه به زشتی و کیفر آن می‌افزاید. («يُؤْذُونَ» نشانه استمرار و اصرار بر اذیت است).
- ۲- آبروی زن و مرد مؤمن، محترم و لطمه زدن به آن گناه بزرگی است. (حفظ آبرو به زن یا مرد بودن ربطی ندارد). ﴿الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾
- ۳- گناهی تنبیه دارد که انسان با علم و عمد مرتکب شود. ﴿اِكْتَسَبُوا﴾
- ۴- گناه، بار انسان را سنگین می‌کند. ﴿اِحْتَمَلُوا﴾
- ۵- مهم‌ترین اذیت، زخم زبان و تهمت است. ﴿يُؤْذُونَ - بُهْتَانًا﴾
- ۶- آزار و اذیت دیگران به هر شکلی که باشد، از جمله گناهانی

۱. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۶ و صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۰۳.

۱. مائده، ۴۵.

است که خشم الهی را بدنبال دارد. ﴿يُؤْذُونَ... اِثْمًا مَبِينًا﴾

﴿۵۹﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: روسری‌های بلند بر خود بیفکنند، این (عمل) مناسب‌تر است، تا (به عفت و پاکدامنی) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، و خداوند آمرزنده مهربان است.

نکته‌ها:

- «جلابیب» جمع «جلباب»، به معنای مقنعه‌ای است که سر و گردن را بپوشاند،^۱ و یا پارچه بلندی که تمام بدن و سر و گردن را می‌پوشاند.^۲
- در آیات گذشته سخن از اذیت و آزار مؤمنان به دست منافقان بود. این آیه می‌فرماید: برای آنکه زنان مؤمن مورد آزار افراد هرزه قرار نگیرند، به گونه‌ای خود را بپوشانند که زمینه‌ای برای بی‌حرمتی آنان فراهم نشود.
- بر اساس این آیه، نوعی روسری مورد استفاده‌ی زنان آن زمان بوده، لیکن زنان در پوشاندن خود از نامحرم دقت نمی‌کرده‌اند. لذا سفارش این آیه، نزدیک کردن جلاباب به خود است، نه اصل جلاباب که امری مرسوم بوده است.
- این آیه که فرمان حجاب می‌دهد، با تهدید مطرح نشده بلکه فلسفه‌ی حجاب را چنین تبیین می‌کند: زنان و دختران، اگر بخواهند از متلک‌ها، تهمت‌ها، تهاجم‌ها و تهدیدهای افراد آلوده و هرزه در امان باشند باید خود را بپوشانند.

۱. تفسیر مجمع‌البیان. ۲. تفسیر المیزان.

آفات بی‌حجابی

۱. رونق گرفتن چشم چرانی و هوسبازی.
۲. توسعه‌ی فساد و فحشا.
۳. سوء قصد و تجاوز به عنف.
۴. بارداری‌های نامشروع و سقط جنین.
۵. پیدایش امراض روانی و مقاربتی.
۶. خودکشی و فرار از خانه در اثر آبروریزی.
۷. بی‌مهری مردان چشم چران نسبت به همسران خود.
۸. بالا رفتن آمار طلاق و تضعیف روابط خانوادگی.
۹. رقابت در تجملات.
۱۰. ایجاد دلهره برای خانواده‌های پاکدامن.

پیام‌ها:

- ۱- در امر به معروف، اول از خودی‌ها شروع کنیم سپس دیگران. ﴿قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ﴾
- ۲- در احکام الهی، تفاوتی میان همسران و دختران پیامبر با دیگر زنان نیست. ﴿لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ﴾
- ۳- پوشیدن لباسی که معرف شخصیت زن برای تأمین عفت و آبرو باشد، لازم است. ﴿يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ﴾
- ۴- بهانه به دست بیمار دلان و مزاحمان عفت عمومی ندهید. (در آیات قبل هشدار به اذیت‌کنندگان بود، در این آیه تکلیف اذیت شونده‌گان را مطرح می‌کند). ﴿يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ﴾
- ۵- رفت و آمد زنان در خارج از منزل، با حفظ عفت عمومی مانعی ندارد. ﴿يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ﴾
- ۶- در امر به معروف و نهی از منکر، دلیل امر و نهی خود را بیان کنید.

﴿فَلَا يُؤْذِنُ﴾

۷- نوع لباس مردم در جامعه، می تواند معرف شخصیت، مکتب و هدف آنها باشد. ﴿يعرفن فلا يؤذین﴾

۸- سرچشمه‌ی بسیاری از مزاحمت‌های هوسبازان نسبت به زنان و دختران، نوع لباس خود آنهاست. ﴿يعرفن فلا يؤذین﴾

۹- زنان با حجاب باید با حضور خود در صحنه، جوّ عمومی عفاف و پاکدامنی را حفظ کنند و فرصت مانور را از هوسبازان بگیرند. ﴿يعرفن فلا يؤذین﴾

۱۰- بد حجابی‌های گذشته قابل عفو است. ﴿غفوراً رحیماً﴾

۱۱- مغفرت خداوند همراه با رحمت اوست. ﴿كان الله غفوراً رحیماً﴾

﴿٦٠﴾ لَئِن لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلاً

اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری است و آنان که در مدینه شایعه پراکنی می‌کنند (از کارشان) دست بر ندارند، حتماً تو را بر ضد آنان می‌شورانیم، آنگاه جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند.

نکته‌ها:

□ «مرجفون» از «ارجاف»، به کسانی گفته می‌شود که با شایعه‌سازی، در جامعه اسلامی دلهره ایجاد می‌کنند.

کسانی که به جبهه نمی‌رفتند، اما در شهر شایعه می‌کردند که مسلمانان شکست خوردند و کفار پیروز شدند یا پیامبر اسلام شهید شد، آنان با این اقدام زشت سبب نگرانی مردم می‌شدند.

□ «لنغريئك» از «إغراء» به معنای چسباندن، کنایه از تسلط همه جانبه است.

□ این آیه را اگر در ادامه آیه قبل ببینیم، مراد آن است که منافقان و بیماردلان مدینه مزاحم زنان مؤمن بودند که خداوند در آیه قبل به زنان دستور پوشش کامل داد و در این آیه به این بیماردلان هشدار می‌دهد و ممکن است این آیه مستقل باشد، و مراد این باشد که با توطئه‌گرانی که با جنگ سرد و شایعه‌سازی، ایجاد دلهره می‌کنند برخورد کرده و آنها را قلع و قمع نمایید.

□ با آن که تندترین تهدیدها در این آیه آمده و جامعه‌ی اسلامی همواره بزرگ‌ترین ضربه‌ها را از شایعه‌سازان خورده است، اما متأسفانه در کتب فقهی کمتر به این موضوع توجه شده و حتی یکی از مجتهدان که سال‌ها قاضی بود می‌گفت: من ۵۴ کتاب فقهی را گشتم و تحت عنوان «ارجاف» بابی را نیافتم.

□ جمله‌ی آخر این آیه «لنغريئك بهم ثم لا يجاورونك...» را دو گونه می‌توان معنا کرد:

الف: چنان تو را بر آنان می‌شورانیم که همگی قلع و قمع شوند و جز مدت کمی نتوانند در کنار تو بمانند.

ب: چنان آنان را تار و مار می‌کنیم که جز تعداد کمی از آنان در مجاورت تو باقی نمانند.

پیام‌ها:

۱- قبل از برخورد با متخلفان، اتمام حجّت کنید. ﴿لئن لم ينته...﴾

لنغريئك﴾

۲- سعی صدر حدّ و اندازه دارد. ﴿لئن لم ينته المنافقون﴾ همیشه تساهل و تسامح جوابگو نیست.

۳- بیمار دلان در کنار منافقانند. ﴿الْمُنَافِقُونَ - الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ﴾
 ۴- قیام مسلمانان، بر اساس انتقام یا هوس نیست، بلکه با اراده و فرمان خداست. ﴿لِنُغْرِبَنَّكَ﴾

۵- امت وفادار باید در رهبر ذوب شود و یکی شوند. ﴿لِنُغْرِبَنَّكَ﴾ به جای «لِنُغْرِبَنَّكُمْ»

۶- اول کسی که باید در برابر به مخاطره اندازان امنیت جامعه قیام کند، رهبر اسلامی است. ﴿لِنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ﴾

۷- اسلام چنان به امنیت جامعه اهمیت می دهد که فرمان اخراج کسانی را که در میان مردم دلهره و ناامنی ایجاد می کنند، صادر نموده است. ﴿لِنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ﴾

۸- دشمنان را باید از شورش و اقدام انقلابی مسلمانان ترسانند. ﴿لِنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ﴾

﴿۶۱﴾ مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تُقِفُوا أَخَذُوا وَقَتَلُوا تَقْتِيلًا

﴿۶۲﴾ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا

آنان لعنت شدگانند، هر کجا یافت شوند باید دستگیر شده و به سختی کشته شوند. این سنت خداوند درباره‌ی کسانی است که پیش از این بوده‌اند (و این فتنه انگیزی‌ها و دلهره‌ها را در جامعه به وجود می آوردند) و هرگز برای سنت خداوند تغییری نخواهی یافت.

نکته‌ها:

□ «تَقِفُوا» از «تَقَافَة» به معنای دست یافتن و چیره شدن دقیق و ماهرانه است، لذا به علم و فرهنگ، ثقافت گفته می شود.

□ بعضی مفسران تمام این سخت‌گیری‌ها را در مورد اذیت کننده مؤمن که در آیات قبل بود می‌دانند، ولی به نظر می‌رسد این همه تهدید و اعلام مهدورالدم بودن برای کسانی است که قصد اخلال در امنیت جامعه و شکست نظام را دارند، نه تنها مزاحمان ناموس مردم.

پیام‌ها:

۱- «مر بر منافق» یک شعار قرآنی است. ﴿الْمُنَافِقُونَ... مَلْعُونِينَ﴾
 ۲- اجرای حکم خدا در مورد فتنه انگیزان حق ستیز، به زمان و مکان

و مرز محدود نیست. ﴿أَيْنَمَا تَقِفُوا أَخَذُوا﴾

۳- برای فتنه انگیزان و اخلال‌گران امنیت جامعه، هیچ جایی نباید محل امن باشد. ﴿أَيْنَمَا تَقِفُوا أَخَذُوا﴾

۴- فرار فتنه انگیزان، نباید مانع برخورد شما شود. ﴿أَيْنَمَا تَقِفُوا أَخَذُوا﴾
 ۵- در دستگیری دشمنان، همه مردم باید بسیج شوند. ﴿أَيْنَمَا تَقِفُوا

أَخَذُوا﴾

۶- آنان که امنیت مردم را به هم می‌زنند، امنیت جانی ندارند. ﴿أَخَذُوا وَ قَتَلُوا﴾

۷- گاهی باید توطئه‌ی شوم دشمن را که در قالب جنگ سرد است با جنگ گرم پاسخ داد. ﴿مَرَجِفُونَ - قَتَلُوا﴾

۸- کسانی که از ایجاد فتنه و دلهره دست بر نمی‌دارند، باید با شدت و ذلت کشته شوند. ﴿قَتَلُوا تَقْتِيلًا﴾

۹- جهاد علیه فتنه‌گران، یک سنت الهی در همه‌ی ادیان بوده است. ﴿سُنَّةَ اللَّهِ﴾

۱۰- در شیوه‌ی تبلیغ، احکام سخت و سنگین را با سابقه‌ی آن در طول تاریخ گره بزنید. ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ

قبلکم^۱، «و کائین من نبی قاتل معه...»^۲، «قتلوا تقتیلوا سئة الله... من قبل»

۱۱- مقام انسانیت و ارزش امنیت در همه‌ی ادیان الهی به قدری است که سخت‌ترین مجازات‌ها در مورد کسانی که از این راه به جامعه ضربه می‌زنند اعمال می‌شود. «قتلوا - سئة الله... من قبل»^{۱۲} قانون اعدام فتنه‌انگیزان و اخلاص‌گران، تبدیل‌ناپذیر است. «ولن تجد لسئة الله تبدیلاً»

﴿۶۳﴾ یَسْئَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا

مردم پیوسته از زمان و وقوع قیامت از تو می‌پرسند، بگو: علم آن تنها نزد خداست و تو چه می‌دانی؟ شاید قیامت نزدیک باشد.

نکته‌ها:

□ انگیزه‌های سؤال متعدد است:

- * گاهی سؤال، برای آزمایش کردن است. مانند سؤالات امتحانی.
- * گاهی سؤال، از روی استهزا است. مانند پرسش قدرتمند متکبر از ضعیف.
- * گاهی سؤال، از روی تعجب است. مانند پرسش انسان ترسو از انسان شجاع.
- * گاهی سؤال، برای به بن بست کشاندن است. مانند پرسش بازپرس از مجرم.
- * گاهی سؤال، برای به انحراف کشیدن است. مانند پرسش استاد منحرف از شاگرد.
- * گاهی سؤال، برای ایجاد شک در دیگران است. مانند پرسش منحرفان.

۱. بقره، ۱۸۳. ۲. آل عمران، ۱۴۶.

* گاهی سؤال، برای رفع نگرانی است. پرسش مادر از فرزند.

* گاهی سؤال، برای دانستن است. مانند پرسش جاهل از عالم.

* گاهی سؤال، برای توییح است. مانند پرسش معلم از دلیل تنبلی شاگرد. در این آیه نیز، سؤال از زمان قیامت می‌تواند انگیزه‌های متفاوتی داشته باشد.

- کلمه «قریب» برای مذکر ومؤنث بکار می‌رود. «لعلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا» و نفمود: «قربیه»، نظیر جمله «انَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»^۱
- پایان آیه نوعی دلجویی از پیامبر است که از بهانه‌های کفار خسته مباش که به زودی به حسابشان رسیدگی می‌شود. «تكون قریباً»

پیام‌ها:

- ۱- با این که خداوند انبیا را از غیب آگاه می‌کند، «لا یظهر علی غیبه احداً الاّ من ارتضی من رسول»^۲ لیکن آگاهی انبیا نیز محدود است. «علمها عند الله»
- ۲- نه لازم است همه چیز را بدانیم و نه لازم است به هر سؤالی پاسخ دهیم. «علمها عند الله»
- ۳- ندانستن زمان وقوع قیامت، به ایمان و یقین به اصل آن، ضرری نمی‌زند. «علمها عند الله»
- ۴- برخی علوم مخصوص خداست. «علمها عند الله»
- ۵- هر ندانستنی عیب نیست. «و ما یدریک» (بلکه اگر زمان وقوع قیامت را بدانیم تعادل خود را از دست می‌دهیم).
- ۶- در تربیت باید افراد را میان بیم و امید نگاه داشت. «لعلَّ»
- ۷- برای وقوع قیامت هر لحظه باید آماده باشیم. «لعلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا»

۱. اعراف، ۵۶. ۲. جن، ۲۶ - ۲۷.

﴿۶۴﴾ إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا

﴿۶۵﴾ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

همانا خداوند کافران را لعنت کرده (و از لطف خود دور نموده) و برای آنان آتش فروزانی فراهم کرده است. آنان برای همیشه در آن می مانند و دوست و یاورى (برای خود) نمی یابند.

پیام ها:

- ۱- قهر الهی نسبت به کافران قطعی است. ﴿أَعَدَّ﴾ دوزخ هم اکنون موجود است.
- ۲- کافران نه مولایی دارند که آنان را از ورود به دوزخ حفظ کند و نه یاورى که آنان را نجات دهد. ﴿لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾
- ۳- بت ها و طاغوت ها در قیامت بی اثرند. ﴿لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾
- ۴- کافران در قیامت به هرسو چشم می دوزند، اما چه سود! ﴿لَا يَجِدُونَ...﴾

﴿۶۶﴾ يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَ أَطَعْنَا الرَّسُولَ

روزی که صورت های آنان در آتش گردانده می شود، (با حسرت) می گویند: ای کاش! خدا را اطاعت می کردیم و پیرو رسول (او) بودیم.

نکته ها:

- ممکن است معنای آیه این باشد که صورت های کافران در اثر حرارت آتش، به رنگ های مختلفی در می آید.

پیام ها:

- ۱- کافران در قیامت، نه تنها ولی و نصیری ندارند، بلکه اختیار صورت خود را نیز ندارند. ﴿تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ﴾
- ۲- معاد جسمانی است. ﴿تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ﴾
- ۳- غافلان در قیامت بیدار می شوند. ﴿يَا لَيْتَنَا﴾
- ۴- ندامت، در قیامت سودی ندارد. ﴿يَا لَيْتَنَا﴾
- ۵- اطاعت از خدا و رسول آرزوی دوزخیان خواهد بود. ﴿يَا لَيْتَنَا اطعنا الله و اطعنا الرسولا﴾
- ۶- اطاعت از خدا به همراه اطاعت از رسول کارساز است. ﴿اطعنا الله و اطعنا الرسولا﴾
- ۷- پیامبر اکرم ﷺ علاوه بر ابلاغ فرمان الهی، خود نیز دستورهایی را برای مردم صادر می کرد. ﴿اطعنا الله و اطعنا الرسولا﴾
- ۸- تنها راه نجات، اطاعت از خدا و رسول است. ﴿يَا لَيْتَنَا اطعنا الله و اطعنا الرسولا﴾

﴿۶۷﴾ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا

و گویند: پروردگارا! همانا ما سران و بزرگانمان را اطاعت کردیم، پس آنان ما را از راه به در بردند.

نکته ها:

- «ساده» جمع «سید» به رؤسا و سران یک جامعه گفته می شود و «كُبراء» جمع «کبیر» به بزرگان سنی و ریش سفیدان اطلاق می شود. معمولاً این دو گروه نقش مهمی در آداب و رسوم و رفتار مردم دارند.

پیام‌ها:

- ۱- کسانی که در دنیا حتی یکبار «رَبَّنَا» نگفتند، در قیامت همراه با ناله و پشیمانی خواهند گفت: ﴿رَبَّنَا﴾
- ۲- مجرمان اشتباهات خود را توجیه می‌کنند و به گردن دیگران می‌اندازند. ﴿إِنَّا اطعنا سادتنا﴾
- ۳- تقلید کورکورانه از پدران و بزرگان جامعه، مایه‌ی پشیمانی است. ﴿إِنَّا اطعنا سادتنا و کبرائنا فاضلونا﴾
- ۴- کافران در قیامت به انحراف خود اقرار می‌کنند؛ ولی چه سود. ﴿اضلونا السبیل﴾

﴿۶۸﴾ رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَتُهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا

پروردگارا! آنان را عذاب دو چندان ده و به لعنتی بزرگ لعنت کن.

﴿۶۹﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ

فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند، پس خداوند او را از آنچه (در باره‌اش به افترا) می‌گفتند، تبرئه فرمود و او نزد خداوند آبرومند بود.

نکته‌ها:

- در آیه‌ی ۵۷ مسأله‌ی ایذای پیامبر مطرح شد، در این آیه تأکید می‌کند که شما مثل بنی اسرائیل نباشید که موسی را اذیت کردند.
- مراد از تهمت‌ی که در مورد حضرت موسی مطرح شده، یا نسبتِ نقص جسمی است، یا نسبتِ قتل و یا سحر و جنون که شناخت موضوع آن در فهم آیه نقشی ندارد.
- لعنت بزرگ، شاید همان لعنت آیه ۱۶۱ سوره‌ی بقره باشد که می‌فرماید:

﴿ان الذین کفروا و ماتوا و هم کفار اولئک علیهم لعنة الله و الملائکة و الناس اجمعین﴾ کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خداوند و فرشتگان و همه‌ی مردم بر آنها خواهد بود.

پیام‌ها:

- ۱- تنها دعایی که از دوزخیان مستجاب می‌شود، دعا برای عذاب است.^۱ ﴿رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ﴾ چون در آیه‌ی دیگر می‌فرماید: ﴿لِكُلِّ ضِعْفٍ﴾^۲
- ۲- گاهی رهبران الهی، از طرف مؤمنان هدف تهمت و اذیت قرار می‌گیرند. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا﴾
- ۳- لازمه‌ی ایمان، دوری از تهمت است. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا...﴾
- ۴- از بی‌اثر ماندن تهمت به اولیای خدا درس بگیرید و تهمت نزنید. ﴿فَبَرَّأَهُ اللَّهُ﴾
- ۵- خداوند دامن انبیای خود را از تهمت‌های دشمنان پاک می‌کند. ﴿فَبَرَّأَهُ اللَّهُ...﴾
- ۶- تبرئه‌ی مردان خدا از تهمت کافی نیست، باید از آنان تجلیل شود. ﴿فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا﴾
- ۷- تبرئه از تهمت و داشتن و جاهت، شرط موفقیت در رهبری است. ﴿فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا﴾
- ۸- کسی را که به مأموریتی می‌فرستید و مسئولیتی به او می‌دهید، باید از او حمایت کنید. ﴿فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا﴾

﴿۷۰﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا
﴿۷۱﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ
وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن (حقّ و) استوار گویند. تا خداوند کارهای شما را اصلاح کند و گناهانتان را بیامرزد؛ و هر کس خدا و رسولش را اطاعت کند، بدون شکّ به رستگاری بزرگی دست یافته است.

نکته‌ها:

□ «قول سدید» سخنی است که در آن سستی و لغو و دروغ و نفاق نباشد. سخنی که همچون سدّی محکم، جلو شکّ و شبهه و فساد را بگیرد.

پیام‌ها:

- ۱- لازمه‌ی ایمان، داشتن تقواست، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ﴾ و لازمه‌ی تقوا سخن استوار است. ﴿اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾
- ۲- انسان مؤمن شایستگی تقوا و قول سدید را دارد. ﴿الَّذِينَ آمَنُوا - اتَّقُوا - قُولُوا﴾
- ۳- نشانه‌ی ایمان، هم ظاهری است، ﴿قَوْلًا سَدِيدًا﴾ و هم باطنی. ﴿اتَّقُوا اللَّهَ﴾
- ۴- سخن سدید تنها به الفاظ آن نیست، بلکه به محتوای آن است، در واقع این فکر و اندیشه است که باید محکم و استوار باشد. ﴿قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾
- ۵- هر شنیده‌ای قابل بازگو کردن نیست. ﴿قَوْلًا سَدِيدًا﴾
- ۶- اگر انسان در رفتار و کردار تقوا را مراعات کند، باقی مسائل را خداوند حل می‌کند. ﴿يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ﴾ (نظیر آیه ۳۱

سوره نساء که می‌فرماید: ﴿إِنْ تَحْتَبُوا كَبْرًا مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَحْرًا عَنْكُمْ سِيئَاتِكُمْ﴾، اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می‌شوید دوری کنید، گناهان کوچک شما را می‌پوشانیم).
۷- کلید رستگاری، پیروی از خدا و رسول است. ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾

﴿۷۲﴾ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ
كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا

همانا ما امانت (الهی) را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، پس، از حمل آن سر باز زدند و از آن ترسیدند، ولی انسان آن را بردوش گرفت، اما او بس ستمکار و نادان است.

نکته‌ها:

- در حدیث می‌خوانیم: هنگامی که وقت نماز فرا می‌رسید، لرزه بر اندام حضرت علی علیه السلام می‌افتاد و می‌فرمود: وقت نماز است، نماز همان امانت الهی است که کوه‌ها و آسمان‌ها از تحمل آن سرباز زدند.^۱ در زیارت جامعه کبیره خطاب به اهل بیت علیهم السلام می‌خوانیم: «انتم الامانة المحفوظة» شما آن امانت حفظ شده هستید.
- بین حمل و تحمیل فرق است. انسان امانت الهی را پذیرفت و آن را حمل کرد، نه آنکه بر او تحمیل شده باشد.
- شاید این آیه واقعیت‌هایی را در مورد انسان بیان می‌کند که هنوز عقل بشر به آن نرسیده است. اما آنچه از ظواهر آیه فهمیده می‌شود این است که خداوند ویژگی‌ها و امتیازات خاصی به بشر داده که هیچ یک از موجودات

۱. تفسیر نورالثقلین.

در آسمان و زمین آن را ندارند و این امتیازات امانت الهی است و برای انسان مسئولیت آور است، اما بسیاری از انسان‌ها در این امانت خیانت کرده و از آن در مسیر خلاف خواست خداوند بهره می‌برند.

عقل و اراده که باید در مسیر شناخت حق و انتخاب آن به کار رود تا مایه‌ی رشد و کمال بشر شود، راههای باطل به کار گرفته شده و منجر به گسترش ظلم و ستم گشته است، تا آنجا که رفتار بشر جاهلانه و نابخردانه شمرده می‌شود.

پیام‌ها:

۱- انسان، برتر از آسمان‌ها و زمین است. انسان، امین خدا در هستی است. ﴿أَنَا عَرْضْنَا الْإِمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... فَايُن... وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ﴾

۲- هستی شعور دارد. ﴿عَرْضْنَا الْإِمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...﴾
 ۳- نعمت‌های الهی به انسان (عقل، اراده، فطرت، هدایت پیامبران و...) امانت الهی است. در امانت خیانت نکنیم که از بزرگترین ظلم‌ها است. ﴿أَنَا عَرْضْنَا الْإِمَانَةَ... ظُلُومًا﴾

۴- آنچه انسان پذیرفت ولی آسمان و زمین نپذیرفتند، چیزی غیر از قنوت و تسبیح و سجده بود، زیرا تسبیح و قنوت را زمین و آسمان‌ها به راحتی پذیرفته‌اند. ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِهِ﴾^۱، ﴿كُلٌّ لَهُ قَانُتُونٌ﴾^۲

۱. اسراء، ۴۴.

۲. روم، ۲۶.

﴿۷۳﴾ لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

تا خداوند مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را (به علت ضایع کردن امانت) عذاب کند، و لطف خود را بر مردان و زنان با ایمان برگرداند (و توبه‌ی آنان را بپذیرد) که خداوند آمرزنده‌ی مهربان است.

نکته‌ها:

□ توبه خداوند بر بندگان، به معنای برخوردار کردن آنان از عنایت‌های ویژه است که با حرف «عَلَى» می‌آید، «یتوب الله علی» و توبه بندگان، بازگشتن به سوی خدا و رو کردن به سوی اوست که همراه با «إِلَى» می‌آید.

پیام‌ها:

۱- امانت الهی مسئولیت آور است. آنکه امانت را حفظ کند، مشمول رحمت و آنکه با کفر و شرک، خیانت کند، کیفر می‌بیند. ﴿لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ... وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾

۲- منافق، در ردیف مشرک است. ﴿الْمُنَافِقِينَ... الْمُشْرِكِينَ﴾

۳- زن و مرد در صعود به کمالات یا سقوط در پستی‌ها، یکسانند.

﴿الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ، الْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ، الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾

۴- گرچه خداوند مشرکان و منافقان را کیفر می‌دهد، اما اصل در برخورد او با انسان‌ها، مغفرت و رحمت است. ﴿لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ... كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾

«و الحمد لله رب العالمين»